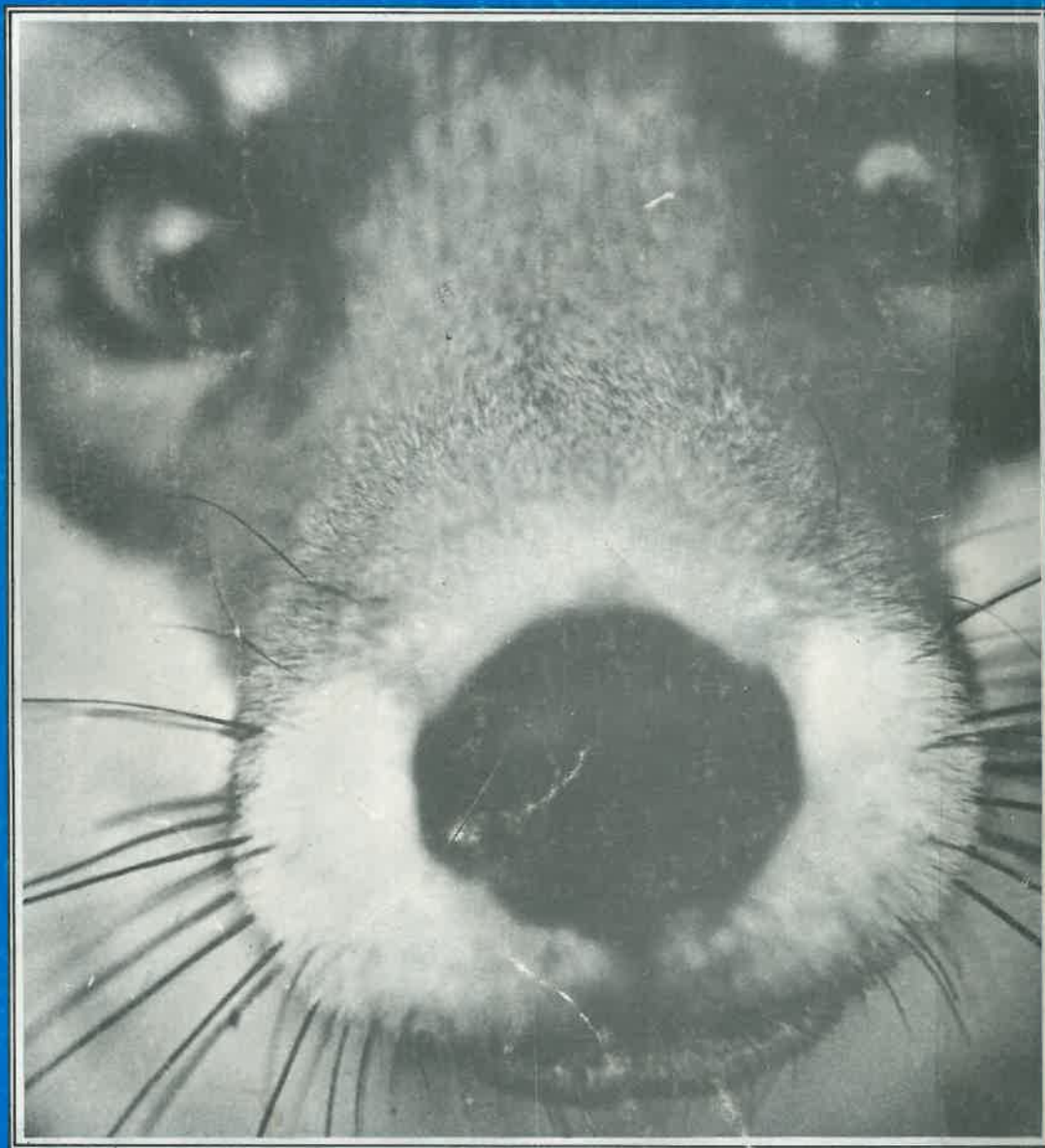


نقش از روباه و سکاران

(در رابطه با مسائل پزشکی)



تهران ۱۳۶۴

دکتر یونس کریمی

بروید بویک عزیز
آقای محمد حنیفی
مادرین جامله استگار

دکتر یونس کری
۶۵/۵/۸

نقشی از روباه و شکاران

(در رابطه با مسائل پزشکی)

دکتر یونس کری

تهران ۱۳۶۴

نقشی از روباه و شکارآن

نویسنده : دکتر یونس کریمی

خیابان بخارست کوچه ششم- پلاک ۳۳ تلفن ۶۲۱۰۴۳

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی : چاپخانه بهمن

خرداد ماه ۱۳۶۵

ترتیب مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	معرفی روباه
۵	پراکنندگی جغرافیائی
۶	روباه‌های ایران
۶	روباه معمولی
۹	روباه کورساک
۱۰	روباه شنی
۱۰	روباه کانا
۱۱	لانه روباه
۱۸	تغذیه روباه
۲۲	زاد و ولد روباه
۲۴	پرورش روباه
۲۵	نقش روباه در انتشار بیماریها
۲۵	بیماری‌های
۳۰	طاعون
۳۳	کیست هیداتیک
۳۵	شکار روباه
۵۱	جنبه‌های علمی شکار روباه

“ای نام تو بهترین سواغاز”

مقدمه :

طی سنوات خدمتی که در انستیتو پاستور ایران مشغول مطالعه و تحقیق در باره برخی از بیماریهای عفونی میکروبی و ویروسی مشترک بین انسان و حیوانات نظیر طاعون، تبهای بازگرد، تولارمی و هاری بودم متوجه شدم که روباه به برخی از بیماریها مبتلا گشته یا جان می‌بازد و یا بر بیماری غلبه یافته و به زندگی ادامه می‌دهد ولی در هر دو حال هم می‌تواند نقشی در اشاعه و جابجایی عفونت داشته باشد و هم کلید برخی از معماها و راهنمایی حل بعضی مسائل در رابطه با سیر طبیعی بیماریهای یاد شده را ارائه دهد. برای دست یابی به اطلاعات مورد اشاره لازم بود که حیوان گریزیای را در اختیار می‌داشتم و در این مقصود با بکار بردن تدابیر و روشهای ابتکاری که شرح آن به تفصیل خواهد آمد توفیق بسیار یافتیم. این مطالعه قریب شش سال در مناطق کردستان، آذربایجان شرقی و غربی، خراسان، سیستان، بلوچستان و خوزستان انجام شده و گرچه با زحمت بسیار و سختی و مشقت فراوان ناشی از بیابان گردی شبانه و تحمل خستگی و بی خوابی جانگناه و سرمای سوزنده و گرد و غبار نفس گیر بوده و به قیمت جان چندین صد روباه تمام شده ولی ارزش دست یابی به مجهولات علمی و خدمت به سلامت و بهداشت انسان را داشته است. حاصل این پویشها طی مقالات علمی و در کتب مختلف در دسترس

علاقه مندان گذاشته شده که فهرست آن بنظر خوانندگان خواهد رسید. مقامات علمی جهان بویژه سازمان جهانی بهداشت کاربرد روشهای ابداعی و بهره گیری از یافته‌ها در مطالعه روباه را به محققین و مسئولین تحقیقاتی جهان توصیه نموده است، لذا در این مختصر بی نیاز از بازگویی مطالبی که در نوشته‌های پیشین از دیدگاه علمی آمده سعی بر این شده که با استفاده از مشاهدات شخصی و تجربیات عملی دیگر کارشناسان اطلاعات نسبتاً جامعی در باره روباه از لحاظ صفات جسمی و نحوه زندگی در اختیار خوانندگان و علاقه مندان گذارده به ویژه شکارچیان را با روشی از شکار روباه و احیاناً مطلوب‌ترین آنها آشنا سازم. هدف از این اقدام سهل‌تر نمودن مبارزه با کثرت روباه که مخزن اصلی ویروس بیماری هاری در ایران است می‌باشد هر چند که بصورت کمکی ناچیز در انجام این امر باشد. با توجه به اینکه بیماری هاری از مهلک‌ترین و بد عاقبت‌ترین بیماریهای قرون گذشته و عصر حاضر بوده و هیچ گونه علاجی در هیچ کجای دنیا بر آن مترتب نیست و انسان مبتلا بدان محکوم به مرگ و نابودی می‌باشد مسلماً هر کوششی که در براندازی این بلائی خانمانسوز از جمله تقلیل جمعیت روباهان معمول گردد درست و مورد ایراد نخواهد بود بویژه اگر توجه شود که تراکم روباه در برخی از نقاط ایران نظیر آذربایجان غربی و کردستان و خراسان در حدود یک راس در هر کیلومتر مربع است. تصور اینکه آزاد بودن شکار روباه سبب انقراض نسل و نابودیش در کشور وسیع ایران شده و لطمه جبران ناپذیر بحیات وحش و محیط زیست وارد آورده و طبیعت آراسته و زیبای مملکت را محروم از داشتن این حیوان که در نوع خود قشنگ و تماشائی است خواهد کرد اندیشه‌ای باطل و نادرست خواهد بود زیرا:

— شکار روباه آسان نبوده و بهنگام روز که شکارچیان در حرکت و فعالیت شکاریابی هستند وی از انظار مخفی بوده و در پناهگاه و لانه خود استراحت می‌نماید لذا بندرت ممکن است به تیررس آید و هدف قرار گیرد.

— روباه حساسیت زیادی به بیماری هاری دارد و سالیانه صدها برابر تعدادی که ممکن است به تیر شکارچیان آمده و تلف شوند از این بیماری می‌میرند و در این جریان سبب اشاعه ویروس و انتقال بیماری به حیوانات دیگر نظیر گرگ، شغال و سگ می‌شوند و اینان به نوبه خود بیماری را به انسان منتقل می‌نمایند. هر چه بیشتر از شکار روباه جلوگیری شده و مورد حمایت قرار گیرد کثرت و تراکم آن در طبیعت بیشتر و نقش وی در نگهداری و انتقال بیماری مخوف هاری وسیع‌تر خواهد بود. عکس قضیه نیز صادق است یعنی هر چه از تعداد و وفور جمعیت روباهان کاسته شود خطر انتشار و بقای بیماری هاری کاهش می‌یابد و مطلوب آن است که تعداد حیوان بقدری کم باشد که گردش بیماری در طبیعت و انتقال آن از روباهی به روباه دیگر مقدور نباشد، یعنی فاصله یک خانواده روباه از دیگری بقدری باشد که اجازه تماس بین افراد آنها را ندهد و هر گاه بیماری در یکی ظاهر شد با مرگ همه افراد آن ویروس بیماری هم به خاک سپرده شود و افراد خانواده دیگر از سرایت بیماری مصون بمانند.

در بسیاری از کشورها از جمله ایران تعداد کسانی که بوسیله حیوانات هار گزیده می‌شوند هر سال افزایش می‌یابد و مسئولین بهداشتی و درمانی با صرف هزینه‌های سنگین این اشخاص را تحت درمان پیشگیری قرار می‌دهند و واکسن مورد نیاز را به قیمت گزاف از خارج وارد می‌نمایند ولی کمتر ب فکر اقدامات اساسی در جهت ریشه کن نمودن بیماری هاری می‌باشند. بجای اینکه مسئولین سازمان حفاظت محیط زیست اقدامات لازم را همزمان با تشویق مردم برای کم کردن تراکم و کثرت روباه معمول دارند چتر حفاظت را بر سر آن می‌گیرند و بدین ترتیب ریشه اصلی بیماری را آبیاری می‌نمایند.

لازم به یادآوری است که در بیشتر کشورهایی که با مسئله هاری مواجه هستند اقدامات وسیعی را با بکار بستن روش‌های مختلف برای خشک کردن ریشه اصلی عفونت به عمل آورده و هزینه‌های سنگینی را در قبال نتایج قطعی و اطمینان بخش پذیرا شده

و بطور جدی و همه جانبه‌ای برنامه انهدام روباه را اجرا می‌نمایند تا تعداد آنها بقدری کم شود که امکان گردش ویروس هاری در بین آنها مقدور نباشد . امید است که در ایران نیز باین امر توجه شود و در آرزوی تحقق یافتن آنست که این کتاب تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد .

در خاتمه با خوشحالی بسیار از این فرصت استفاده نموده صمیمانه‌ترین مراتب سپاس و تشکرات قلبی‌ام را تقدیم دوست بسیار عزیز آقای آرا وارطانیان استاد بزرگ و مسلم شکار که همیشه از راهنمایی‌ها و تعالیمش برخوردار بوده‌ام می‌نمایم .

دکتر یونس کریمی

تهران - آذرماه ۱۳۶۲

معرفی روباه

این حیوان از شاخه مهره داران و از تحت شاخه پستانداران بوده و در کلاس گوشتخواران از فامیل کانیده (Canidae) و تحت فامیل کانینه (Caninae) بوده و گونه ولیپس (Vulpes) را تشکیل می‌دهد. از لحاظ شکل دارای بدنی کشیده است که بر پاهای نسبتاً کوتاهی استوار می‌باشد. پیشانی پهن، پوزه کشیده با انتهای باریک و چشمانی مورب که در صورت مثلثی شکل قرار گرفته‌اند از مختصات این حیوان می‌باشند و باید از گوش‌های شق و رق و دم بلند و پرموی آن نیز یاد کرد که در حال دویدن انتهای آن رو ببالا قرار گرفته و در حال راه رفتن معمولی تقریباً بحالت افقی با شیب مختصر بیائین می‌افتد. دارای ۴۲ دندان می‌باشد که نیم فک پائین شامل یازده دندان و نیمه فک بالا دارای ده دندان است.

پراکندگی جغرافیائی :

در همه قاره‌ها و خشکی‌های کره زمین وجود دارد جز در جزایر زلاند نو، گینه جدید، ملانزی، پلی نزی، فیلی پین، ملوک، سلبس، فرمز و ماداگاسکار. تا کنون چهارده نوع روباه در کره زمین شناخته و مشخص شده‌اند، شرح کلیه آنها نه مقدور است و نه لازم، علاوه بر معرفی روباه‌های ایران در سطور پائین ضروری

است که مختصری در باره روباه‌های قطبی اشاره شود که ساکن سرزمین‌های سرد و پر برف سیبری و قسمت‌های شمالی اروپا و آمریکای شمالی بوده، دارای دو گونه متمایز از هم می‌باشند ولی صفت مشترک و مشخصه آنها کوتاه‌پوش است. گونه اول سفید رنگ است و بعضاً در فصول معتدل اندکی تیره و متمایل بخاکستری می‌شود. گونه دوم به رنگ مایل به آبی است که در تمام فصول بهمان رنگ مانده و بنام روباه آبی مشهور است و به تعداد کم و در محدوده مشخصی از سرزمین‌های سیبری یافت می‌شود و پراکندگی‌اش همانند گونه اول در سطح وسیعی نیست.

روباه‌های ایران:

تا کنون چهار نوع روباه در ایران گزارش شده که پراکندگی جغرافیائی آنها برابر نقشه‌های ۱ تا ۴ می‌باشد و عبارتند از:

۱- (1758) LINNE و *Vulpes vulpes* که به اسم روباه قرمز معروف شده و چون در نقاط مختلف نیم کره شمالی وجود داشته و دارای پراکندگی بسیار وسیعی است عنوان *Vulgaris* به مفهوم "عمومی" را به خود گرفته است (عکس ۱).



عکس ۱ - روباه قرمز *Vulpes vulpes*

این روباه در تمامی ایران وجود دارد و رنگش برخلاف اسمی که بر آن نهاده و روباه قرمز می‌خوانند بعلت آب و هوای ایران آنچنان نیست و اکثراً خاکستری است معذالک در مناطق سردسیر و کوهستانی رنگ حنائی مایل به قرمز در لبه گوش‌ها، گونه‌ها و روی بینی و همچنین در سطح خارجی پاها و بویژه در تیره پشت که به طرفین بدن سرازیر می‌شود بچشم می‌خورد.

کثرت این روباه در مناطق جنوبی دریاچه ارومیه و کردستان حدود یک سر در هر کیلومتر مربع است و بنظر می‌رسد که در سواحل غربی این دریاچه تراکم بیشتری داشته باشد. در سایر استانهای ایران هم این رقم تغییر چندانی نمی‌کند مگر در قسمت مرکزی که شامل کویر و دشت لوت است، تعداد آن بسیار کم و منحصراً " در اطراف آبادی‌ها دیده می‌شود. طول متوسط بدن و اعضای مختلف آن برابر اندازه‌گیری‌هایی که روی بیش از یک صد روباه از نقاط مختلف ایران صورت گرفته بقرار زیر است:

— متوسط طول بدن از نوک بینی تا بیخ دم ۷۵ سانتیمتر که تغییرات آن بین ۶۴ و ۸۲ سانتیمتر می‌باشد.

— طول دم ۳۷ سانتیمتر که حداقل آن ۳۲ و حداکثر آن ۴۱ سانتیمتر یادداشت شده است.

— بلندی گوش از ۵۵ میلی‌متر تا ۸۰ میلی‌متر متغییر بوده و متوسط آن ۶۶ میلی‌متر است.

اندازه استخوانهای جمجمه نیز برابر ارقام زیر است:

طول سر یعنی از نقطه پس سر تا نوک بینی ۱۳۵ الی ۲۶۲ میلی‌متر

طول سقف دهان ۵۲ تا ۵۷ میلی‌متر

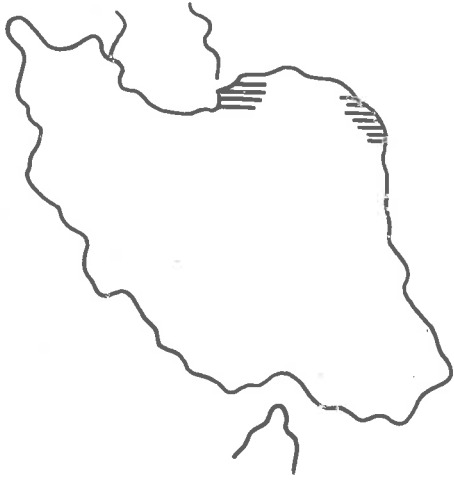
فاصله دو حفره چشمی ۲۴ تا ۲۶ میلی‌متر

طول استخوان بینی ۴۷ تا ۵۱ میلی‌متر

موضع جغرافیائی روباههای ایران



۱- روباه قرمز "عمومی"
Vulpes vulpes



۲- روباه کورساک
V. Corsac



۳- روباه شنی
V. Ruppelli



۴- روباه کانا
V. Cana

وزن این روباه در سنین بلوغ از ۴/۵ تا ۶ کیلوگرم یادداشت شده و بطور کلی روباه‌های نر همیشه سنگین‌تر و درشت‌تر می‌باشند و بندرت وزن آنها حدود ۱۰ کیلوگرم هم می‌شود، ارتفاع بدن از ۳۵ الی ۴۰ سانتیمتر متغییر است.

باید متذکر شد که روباه‌های کردستان و آذربایجان غربی در سطح شکمی سفیدتر و پشت گوش‌هایشان سیاه ولی شانه‌ها و کمرشان کم‌رنگ‌تر است، در حالی که روباه‌های مشرق و شمال شرقی ایران دارای رنگ آمیزی متمایزی هستند که نتیجه نفوذ رنگ حنائی در زمینه خاکستری پشت و پهلوها می‌باشد. گرچه این تغییرات رنگی در نقاط مختلف و همچنین در فصول مختلف بچشم می‌خورد ولی آنچه که ثابت است زمینه خاکستری است که گاهی کم رنگ و زمانی پر رنگ بوده و نسبت انتشار رنگ حنائی در آن کاستی و فزونی می‌یابد. نکته دیگر اینکه نوک دم در هر زمان و مکان سفید بوده و رنگ آن تغییر نمی‌کند. برخی از کارشناسان معتقدند که این روباه در نواحی جنگلی تیره‌تر می‌شود و بر این اساس نام ولپس ولپس اسپلاندنس *V. V. Splendens*

را به آن داده و روباه نواحی کوهستانی و جلگه را که روشن‌تر است بنام *V. V. Flavescens* خوانده‌اند.

۲- *Vulpes Corsac Turkmanica* که در سال ۱۹۳۵ توسط

Ognev معرفی شده و آنرا روباه *Corsac* می‌خوانند، این روباه در دشت‌های ترکمن نشین ایران در مناطق گرگان و شمال شرقی خراسان دیده می‌شود و دشت‌های وسیع ترکمنستان روسیه شوروی نیز ماوا و محل زیست این روباه می‌باشد. صفت مشخصه آن کوچکی جثه است بطوری که طول بدن ۵۸ سانتیمتر و طول دم ۱۸ سانتیمتر و بلندی گوش در حدود ۴ سانتیمتر است البته این ارقام اندازه‌های متوسط را بدست می‌دهند. نسبت طول دم به طول کل بدن برابر ۳۱ در صد است در صورتیکه در روباه معمولی که شرح آن قبلاً داده شد این نسبت بین ۴۰ الی ۵۰ در صد می‌باشد. نقشه شماره ۲ پراکندگی این روباه را در ایران نشان می‌دهد.

۳- V. Ruppelli یا روباه شنی :

این روباه در سال ۱۸۲۵ توسط Schinz شناسائی و مطالعه شده و در برخی از نوشته‌جات با عنوان Renard Famelique معرفی شده است. محل زندگی آن در ایران برابر نقشه شماره ۳ در جنوب شرقی کشور است که شامل بلوچستان و مناطق زابل می‌باشد، ولی در افغانستان و همچنین در عربستان سعودی و آفریقا کثرت و وفور بیشتری دارد. چنین استدلال می‌شود که موطن اصلی آن صحاری عربستان و آفریقا می‌باشد و در زمانهای دور از طریق تنگه هرمز که عرض آن فقط چندین ده کیلومتر است و تنها راه ارتباطی و معبر پر رفت و آمد بین ایران و عربستان و آفریقا بوده به سواحل جنوبی ایران رسیده و از آنجا به افغانستان نیز رفته است. بطوری که از آسمش پیدا است قسمت عمده بدن حیوان از موهائی که برنگ شن صحرائی است پوشیده شده و رنگ سیاه خیلی کم و فقط در لبه پشتی گوش‌ها و در اطراف پوزه و حوالی چشم‌ها دیده می‌شود.

۴- V. Cana که توسط Blanford در سال ۱۸۷۷ معرفی شده و در اکثر

نوشته‌جات با اسم روباه بلانفورد نامگذاری شده است. در ایران هم بسال ۱۹۱۴ توسط Zarudny کشف و بررسی و مطالعه شده است.

حوزه انتشار آن برابر نقشه شماره ۴ است که شامل شرق ایران از قسمت شمالی خراسان تا قسمت جنوبی بلوچستان و استان کرمان را در بر می‌گیرد. از لحاظ جثه فرق چندانی با روباه معمولی ندارد ولی رنگ موهای آن برنگ دودی تیره و مایل به سیاه است که کاملاً بارز و چشم گیر می‌باشد.

مشخصات عمومی روباه‌ها :

روباه که یکی از گوشتخواران وحشی است مانند اکثر آنها زندگی دسته جمعی را دوست نداشته و بصورت انفرادی، زوجی، و بالاخره خانوادگی بسر می‌برد. حالت

زوجی و خانوادگی نیز همیشگی نبوده و محدودیت زمانی دارد بدین معنی که یک روباه نر یا ماده قبل از فصل جفت گیری ممکن است هر یک در محدوده و قلمر فعالیت خودشان باشند ولی پس از جفت گیری معمولا زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند، مگر اینکه وقایعی آنها را از هم جدا کند از قبیل مرگ و یا مهاجرت یکی از آنها. دوران زندگی خانواده‌ای هم محدود است به زمانی که تولد ها به سن بلوغ نرسیده باشند ولی پس از آنکه قریب ده ماه از تولد آنها گذشت هر یک در جهتی از لانه پدر مادری دور شده و خود زندگی مستقلی را آغاز می‌کنند و جفتی برای خود پیدا می‌نمایند. بندرت و در فصل جفت گیری دیده شده است که در یک لانه متعلق به ماده روباه چند روباه نر هم بیتونه کنند و موقعی که دوران فعلی صاحب لانه تمام گردد جز یک روباه نر که به همسری انتخاب شده بقیه لانه را ترک کرده و دور می‌شوند.

روباهها نیز مانند اکثر پرندگان علاقه‌مند به در اختیار داشتن منطقه فعالیت و شکار خود هستند. اگر پرندگان با آواز و پرواز حوزه کار و زندگی خود را برای هموعان خویش تعیین و در حفظ و حراست آن کوشش می‌کنند روباهها هم در گردش شبانه حدود ملک و منطقه تحت فرمانروائی خود را به کمک ادرار و مدفوع و بالاخره ترشحات بو دار غده مترشحه جلدی که عمده‌ترین آن در بیخ دم قرار دارد نشانه گذاری می‌نمایند و گاهی هم با صداهای مخصوصی که نه زوزه و نه پارس بلکه بصورت غرش است حضور و حاکمیت خود را به گوش همسایه‌ها و احمیان روباهی که در جستجوی مسکن جدید است می‌رسانند و وی را از ورود به منطقه تحت حکومت خویش بر حذر می‌دارند.

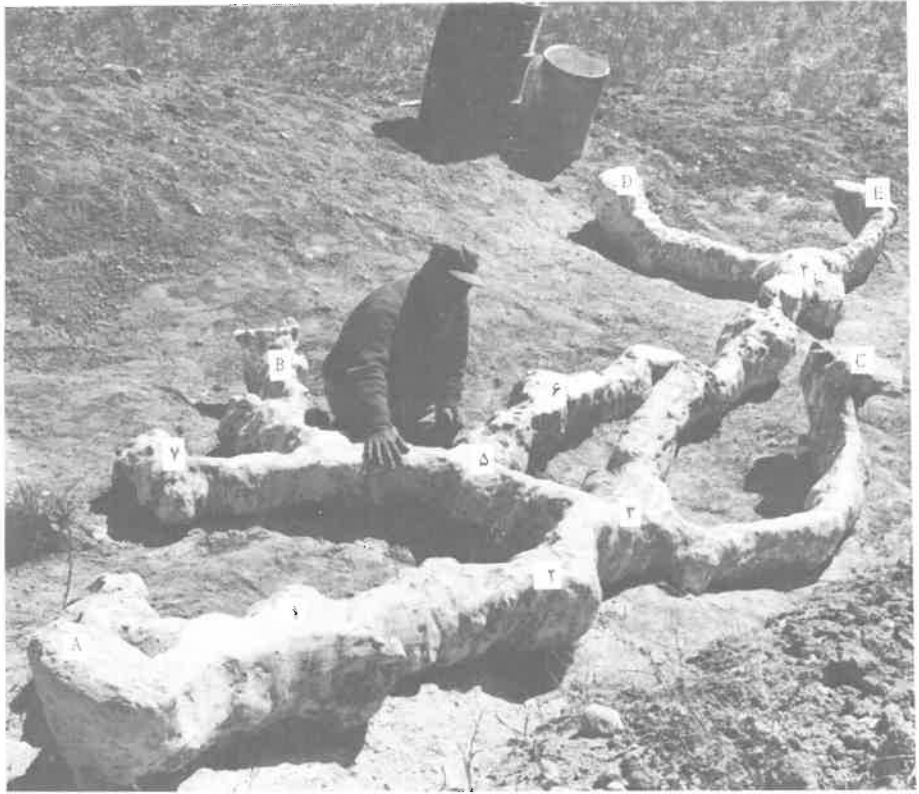
برای شناخت بهتر و آگاهی بیشتر از خلق و خوی و سایر صفات ممیزه روباه لازم است که نکاتی در ارتباط با زندگی این حیوان مورد مطالعه قرار گیرد.

۱- لانه روباه: اصولا روباه دارای یک لانه اصلی و دائمی بوده و از برخی لانه‌های موقتی هم ممکن است برای مدت کوتاهی استفاده نماید. این لانه‌های موقتی یا لانه‌های

متروک و مربوط به حیوانات دیگر مخصوصاً گورکن (Blaireau) است و یا حتی لانه‌های دایر و دارای ساکن این حیوانات است که مورد استفاده موقتی روباه هم قرار می‌گیرد، بدون اینکه اعتراض یا برخوردی بین صاحب لانه و میهمان ناخوانده پیش آید. لانه دائمی که توسط روباه و بویژه روباه ماده ساخته و پرداخته می‌شود قابل توجه است. این لانه در کلیه مواقع در زمینی احداث می‌شود که نوع خاک آن قابل کندن بوده و محفوظ از رطوبت زیاد و نفوذ سیلاب باشد. لذا در اکثر مواقع بر سطح شیب دار قرار گرفته و بندرت در زمین مسطح دایر می‌شود. نمای خارجی عبارت از چندین و حداقل سه دهانه ورودی و خروجی است، این دهانه‌ها مورب و سطح مقطع آنها تقریباً بیضی است که قطر بزرگ آن در حدود سی سانتیمتر و قطر کوچکش کمتر از ۲۰ سانتیمتر نیست، در جلو قوس تحتانی دهانه که آستانه و محل عبور و مرور است تلی از خاک نرم که حاصل لانه کنی است و به بیرون ریخته شده به چشم می‌خورد و بر روی این خاک نرم آثار و رد پای روباه را می‌توان مشاهده نمود.

ساختمان داخلی لانه مفصل و دازای قسمت‌های مختلف برابر عکس شماره (۲) که قالب گچی لانه را نشان می‌دهد می‌باشد. بهتر است قبل از شرح قسمت‌های مختلف لانه چند کلمه‌ای در باره قالب گیری و طرز اجرای آن صحبت شود.

لازم به یادآوری است که قالب گیری از لانه روباه و همچنین از لانه جوندگان صحرائی روش جدید و ابتکاری است و برای اولین بار در ایران توسط نگارنده بعمل آمده و طی مقاله‌ای به علاقه‌مندان عرضه شده و برای مزید اطلاع خوانندگان در این کتاب هم تصویری از قالب لانه موش صحرائی ارائه می‌شود. عکس شماره (۳).



عکس ۲ : قالب گچی لانه روباه



عکس ۳ - قالب گچی از لانه موش صحرائی "مريون لی بی کوس"

بطوری که قبلا گفته شد لانه روباه معمولا در سطح شیب دار بنا می شود بنا بر این یکی از دهانه های ورودی و خروجی در سطحی بالاتر از سایرین خواهد بود. در شروع قالب گیری کلیه دهانه های لانه را مسدود می نمایم جز آنکه بالاتر از همه است. سپس چندین نفر با نظم و ترتیب خاص بطوری که وقفه ای در کار ایجاد نشود هر یک با اختلاف زمانی مختصر و مثلا حدود نیم دقیقه مشغول ساختن دوغ آب گچ در ظرف بیست لیتری می شوند و موقعی که اولین ظرف آماده شد آنرا در مدخل لانه می ریزند و بلافاصله دومی و سومی و تا لحظهای که لانه پر شود و سر ریز گردد. برای توفیق در عمل می بایست وسائل کار فراهم و بدون کم و کاست در دسترس باشند: مقدار کافی گچ، بشکه های آب، بیل، و ظروف بیست لیتری (حلب بنزین خیلی مناسب است) .

ابتدا به ظرف بیست لیتری آب می‌ریزند بطوری که ۷-۸ سانتیمتر خالی باشد ، سپس با بیل پودر گچ را در حالی که شخص دیگری آنرا بهم می‌زند می‌ریزند تا زمانی که غلظت دوغاب مناسب گردد و در این موقع آنرا در لانه خالی می‌نمایند . تعداد ظروف بیست لیتری اقلا می‌بایست چهار یا پنج عدد باشد که پشت سر هم پر و خالی گردند و وقفه‌ای طولانی حاصل نشود .

پس از آنکه لانه از دوغ آب گچ پر شد آنرا بحال خود گذاشته و مدت دو روز صبر می‌کنند تا گچ سفت و محکم و تا اندازه‌ای خشک شود ، سپس با دقت خاک‌های اطراف را برمی‌دارند تا قالب گچی لانه ظاهر گردد .

اکنون قسمت‌های مختلف لانه را برابر قالب گچی که از یک لانه روباه با روش فوق‌الذکر تهیه و در عکس شماره ۲ نشان داده شده بررسی می‌نمائیم .

این لانه دارای پنج دهانه ورودی و خروجی است که با حروف A . B . C . D . E مشخص شده‌اند ، ورودی A در پائین‌ترین نقطه و E در بلندترین محل و دهانه‌ای است که دوغ آب گچ در آن ریخته شده است . ورودی A بیک دالان سرتاسری و تقریباً مستقیم باز می‌شود . دالان سرتاسری در ابتدا وسیع بوده و به محوطه وسیع‌تری می‌رسد که در حقیقت میدان و محل بازی توله‌ها می‌باشد (اطاق شماره ۱) ، پس از آن به حفره نسبتاً بزرگی وارد می‌شود که بصورت چهارراه است و بعنوان اطاق نشیمن خانواده محسوب می‌گردد (اطاق شماره ۲) ، در ادامه دالان دو اطاقک دیگر وجود دارد که اختصاص به توله‌ها دارند ، بخصوص آنکه با دو دالان به ورودی‌های D و E مربوط می‌شود (اطاق شماره ۴) ، اطاق شماره ۵ در سه راهی قرار دارد که یک دالان انشعابی بن بست از آن جدا می‌شود . این اطاقک و دالان بن‌بستش (شماره ۶) برای ذخیره کردن مواد غذایی تعبیه شده است . بالاخره اطاق شماره ۷ در انتهای راهروئی قرار دارد که مخصوص روباه ماده بوده و محل تولد توله‌ها می‌باشد . این اطاق چند روز قبل از تولد توله‌ها توسط روباه ماده آماده می‌شود و تعدادی برگ و پوشال در آن گردآوری

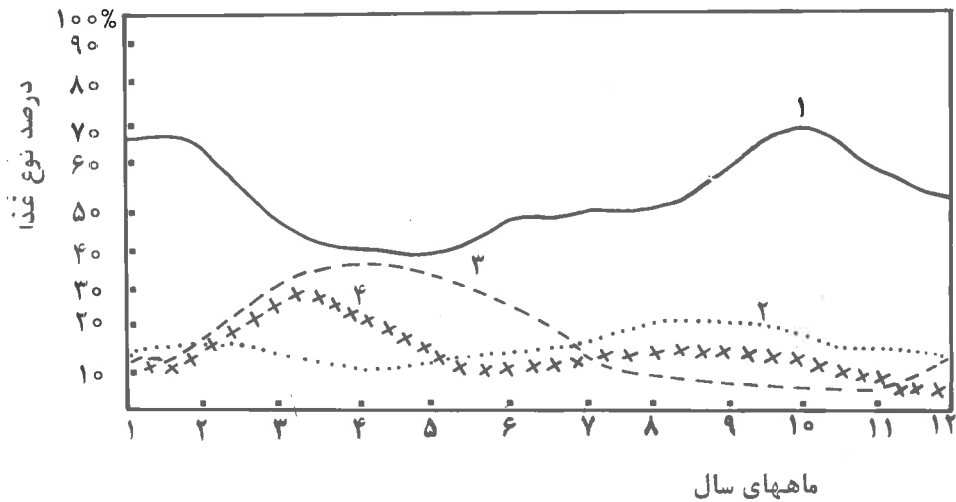
می‌نماید تا بستر مناسبی برای توله‌ها فراهم باشد. پس از آنکه توله‌ها بسن ۱۵ الی بیست روزه رسیدند همراه مادر به اطاق شماره ۲ نقل مکان می‌کنند و جای خود را به به روباه نر واگذار می‌نمایند تا در آنجا استراحتگاه آرامی داشته باشد.

راهرو اصلی که طول آن در حدود ۸ الی ۱۰ متر است محور اصلی لانه را تشکیل می‌دهد و علاوه بر اینکه دو انتهای آن محل بازی توله‌ها می‌باشد اصولاً جایگاه دیده بانی و مراقبت است و روباه نر یا ماده در فاصله مناسبی از دو خروجی A و E می‌توانند مراقب اطراف لانه باشند. خروجی‌های B و C کمتر مورد تردد و رفت و آمد بوده و بیشتر برای مواقع اضطراری و فرار ضروری تعبیه شده‌اند. اگر روباه احساس خطر نموده و راههای فرار را مسدود یابد و با اینکه تله گذاری در مقابل خروجی‌ها را حس نماید خود را در لانه محبوس نموده و سعی می‌کند راهرو دیگری حفر نموده و از آنجا خارج شود، این مطلب را دویست سال قبل آقا محمدخان قاجار که در زمان تحت نظر بودنش در شیراز تحت مراقبت کریم خان زند وقت خود را بشکار مخصوصاً "شکار روباه می‌گذارنده بیان داشته و توسط JEAN GORET در کتاب خواجه تاجدار بازگو شده است و امروزه هم مورد تأیید کارشناسان می‌باشد. این چنین است که تله گذاری در جلو لانه روباه کمتر به نتیجه می‌رسد مگر اینکه روباه محبوس در لانه ماده و شیر ده باشد و تاب گرسنگی و بی غذایی توله‌ها را نیاورده و با علم به اینکه خطری جلوی پایش قرار گرفته از لانه خارج و گرفتار شود، بخصوص موقعی که کندن دالانی جدید بعلت سختی خاک یا سنگی بودن اطراف لانه مقدور نباشد. واضح است که این مسئله به هوش و زیرکی روباه که معروف عام و خاص است ارتباط دارد یعنی اگر روباه در زمان تله گذاری داخل لانه باشد مسلماً با مراقبتی که از اطراف منزلش می‌کند متوجه کند و کاو شکارچی و گذاشتن تله می‌شود و پس از رفتن شکارچی هم با تیزبینی تغییراتی را که در خاک جلو لانه در اثر کار گذاشتن تله پدید آمده هر چند که ناچیز و مختصر باشد مشاهده می‌نماید و علاوه بر آن با حس بویائی بسیار قوی بوی شکارچی

و تله را نیز تشخیص داده و اطمینان حاصل می‌نماید که خطر در کمینش است و با بهره‌گیری از صبر و حوصله ذاتی خود را در لانه محبوس نموده و در انتظار یافتن راه فرار باقی می‌ماند. و اگر در موقع تله‌گذاری روباه در خارج و دور از لانه بوده باشد در مراجعت به منزل قبل از اینکه قدم به نقطه حساس گذاشته و در دام افتد باز هم با نگاه دقیق و بویائی بسیار حساس متوجه خطر شده و از ورود به لانه منصرف می‌شود مگر اینکه مورد تعقیب بوده باشد که در این صورت اضطراراً " و بدون کنجاوی لازم ممکن است قدم بر تله گذاشته و گرفتار شود و یا این که روباه توله‌داری باشد و بخاطر رسیدن به آنها و شیر دادن چاره‌ای جز عبور از روی تله را نداشته باشد.

بطوری که در شرح مشخصات روباه عمومی *V. Vulpes* اشاره شد، غذای روباهها از جوندگان صحرائی، پرندگان وحشی، میوهجات مخصوصا انگور، خیار، خربزه و بی مهرهگان، نظیر سوسک، حلزون و مهره داران کوچک چون قورباغه، سوسمار و بعضا مار تشکیل می شود منتها مورد استفاده قرار گرفتن هر یک از این منابع غذایی بستگی بفضول دارد و برابر کالبد گشائی و مشاهده محتویات معده روباه در فصول مختلف در صد هر یک از غذاها مشخص و در نمودار زیر منعکس است .

نمودار تغذیه روباه



- ۱ - پستان داران : جوندگان (موش، خرگوش)، جوجه تیغی
- ۲ - پرندگان : کبک، گنجشگ صحرائی، تیهو، سینه سیاه
- ۳ - سوسک، کرم، حلزون، سوسمار، قورباغه و مار
- ۴ - میوهجات : انگور، سیب، خربزه، سبزیجات، ریشه گیاه

واضح است که به منابع غذائی فوق‌الذکر می‌بایست لاشه حیوانات بزرگ نظیر گوسفند، بز، الاغ، گاو و اسب را نیز که در اثر کهولت، بیماری و حادثه مرده و یا توسط گرگ دریده می‌شوند افزود. همچنین مرغ، خروس، جوجه، اردک و بوقلمون که شبانگاه مورد هجوم و دستبرد روباه قرار می‌گیرند.

لازم به یادآوری است که روباه در گشت شبانه و جستجوی غذا بشکار حیوانات نام برده در سطور قبل می‌پردازد و این عمل را به دو صورت انجام می‌دهد. یا شکار خود را تعقیب نموده و در حال دو بآن می‌رسد و بچنگش می‌آورد نظیر موش‌های صحرائی و یا اینکه در کمین نشسته و به آرامی بصورت سینه خیز خود را به هدف نزدیک ساخته و آخر سر با یک پرش طعمه را در دست می‌گیرد. روش اخیر را بیشتر برای شکار پرندگان بویزه کبک، تیهو، سینه سیاه و گنجشک‌های صحرائی بکار می‌گیرد. گاهی هم در کنار برکه‌های بشکار پرندگانی که در آب گیر بیتوته می‌نمایند می‌پردازد و زمانی نیز در جای مناسبی کمین کرده و به کمک چنگال خود که بسرعت داخل آب می‌نماید صیاد ماهی می‌شود.

از اتفاقات شایع اینکه در مواقع خاصی روباه سعی می‌کند لانه جونده صحرائی را با چنگال خود بکند، و به طعمه دست یابد و این عمل در دو مورد از روباه سر می‌زند. زمانی که موشی را تعقیب می‌کند و با فرورفتن آن در لانه موفق به دستگیریش نمی‌شود لذا شروع بکندن سوراخی که موش را در خود جای داده می‌نماید. مسلماً همیشه ناکام می‌ماند زیرا لانه موش باندازه‌ای عمیق و پر انشعاب است که کندن آن از عهده و توان روباه خارج است. زمانی نیز ضمن جستجوی خوراکی به سوراخی از لانه موش می‌رسد که از آن بوی لاشه به مشامش می‌رسد و به امید دست یابی به آن شروع بکندن می‌کند، اگر شانس یار باشد و جسد در نزدیکی، آنرا از لانه خارج نموده و می‌بلعد وگرنه نا امید شده دست از کار می‌کشد. لانه موشی که به وسیله روباه کنده شده باشد بسهولت با مشاهده آثار خراش گونه ناخن مشخص می‌شود و حتی از زمان وقوع آن با

توجه به آثار مزبور و رنگ و تازگی و یا کهنه بودن خاک کنده شده می‌توان اطلاع حاصل نمود و بارها اتفاق افتاده که نویسنده با مشاهده لانه‌ای که به احتمال زیاد چندین ساعت قبل توسط روباه کنده شده حدس مرگ و میر ساکنین لانه را در اثر طاعون زده و پس از شکافتن آن به اجساد موش‌های مرده و کیک‌های آنها دست یافته و میکرب طاعون را از آنها جدا ساخته است .

با وجود علاقه وافری که روباه به موش‌های صحرائی دارد و حتی برای تغذیه از لاشه گندیده و یا خشک شده آنها زحمت زیادی را متحمل می‌شود معذالک در موارد لازم تن به همزیستی و همسایگی مسالمت آمیز هم می‌دهد و واقعیت این مسئله با مشاهده لانه روباه که در مجاورت لانه موش قرار گرفته و حتی برخی از سوراخهای لانه موش به دالانهای آن باز می‌شوند محرز می‌گردد و چون این همسایگی اگر اتفاق غیر مترقبه‌ای نظیر نابودی موش‌ها بوسیله طاعون نیافتد سالها ادامه می‌یابد، نشانگر این است که روباه مزاحم همسایه‌اش حتی اگر موش باشد نمی‌شود، با وجود اینکه تشنه خون و گوشتش می‌باشد .

بی‌مناسبت نیست که در اینجا چند مورد از مشاهدات شخصی را که طی شکارهای شبانه اتفاق افتاده بازگو کنم .

شب‌ی در جاده اسفالته واقع بین شوشتر و مسجد سلیمان با سرعت حداکثر بیست کیلومتر در حرکت بودم که بناگاه در انتهای ستون نور ساطع از چراغهای ماشین دو نقطه نورانی مشاهده شد، بلافاصله سرعت را کمتر و بالاخره متوقف شدیم . هیکل یک روباه که در حال جست و خیز بود قابل تشخیص و به زحمت رؤیت می‌شد . با دوربین تفنگ منظره را واضح و به روشنی دیدم ، روباهی بود با یک مار عظیم‌الجثه، کم‌کم نزدیک شدیم بطوری که با چشم غیر مسلح جزئیات صحنه نبرد را زیر نظر داشتیم . مار حمله خود را با بلند کردن سر به ارتفاعی محازی سینه و گردن روباه شروع می‌کرد و در این لحظه روباه دست خود را بلند می‌کرد و دهانش را باز می‌نمود که سر مار را

ضربه زده و گردن او را به دندان گیرد . مار از هر فرصتی استفاده نموده و می‌خواست از سطح لغزنده اسفالت خود را به کناری بکشد و بشانه خاکی جاده برسد ولی روباه راه را بر آن سد می‌کرد و سعی داشت نقطه‌ای از بدن حریف را زخمی نماید . مبارزه قریب ربع ساعت بطول کشید و در لحظه‌ای مار از کف جاده ناپدید شد ولی بزودی متوجه شدیم که روباه گردن مار را به دندان گرفته و مار بدور گردن روباه پیچیده ، چند ثانیه بعد لاشه مار جلو پای روباه به زمین افتاده بود و چشم‌های فاتح نبرد خیره از نور بی حرکت و برق می‌زد که طولی نکشید و با صدای تیر خاموش شد .

شیبی دیگر در ربیابانهای کازرون در سکوتی که با صدای یک نواخت و خفیف موتور جیب شکسته می‌شد آوای زنگوله‌ای از فاصله نزدیک ، ثانیه‌ای چند بگوش رسید . بخيال اینکه گوسفند یا بزى از رمه جدا و سرگردان مانده است نورافکن در جهات مختلف به گردش درآمد جنبنده‌های بچشم نخورد . سرنشینان اتومبیل با استفهام بهم نگرستیم و هنوز کسی لب نگشوده بود که زنگ مجدداً به صدا درآمد و این بار جهت آن مشخص شد و بلافاصله دسته نور بدان سوی کشیده شد و دو نقطه مایل به سبز درخشیدن گرفت و موقعی که بدوربین آمد جثه روباه مشخص شد که لحظاتی بعد خون قلبش در سرنگ بالا می‌آمد . روباهی بود بالغ با جثه معمولی و آثاری از فقر غذائی به صورت لاغری در آن دیده نمی‌شد . زنگوله‌ای با حلقه سیمی به گردن داشت .

این واقعه مرا بیاد نوشته‌ی ژان گوره نویسنده فرانسوی انداخت که نقل قول از آقا محمدخان قاجار سلطان دانشمند و نابغه سفاک نموده و می‌نویسد اگر زنگوله‌ای به گردن روباه بسته و رهایش سازند زندگیش به تباهی گرائیده و از گرسنگی و ضعف و ناتوانی حاصل از آن جان خواهد باخت زیرا صدای زنگ شکارهای وی را فراری نموده و مانع تغذیه وی می‌شود . در حالی که نباید چنین باشد و آنچه هم که ذکرش گذشت چنین نبود زیرا روباه علاوه بر حیوانات کوچک مانند پرندگان که ممکن است از صدای

زنگ بخود آمده و فرار نمایند از حیوانات دیگر نظیر قورباغه، سوسمار، سوسک، جوجه تیغی و همچنین از میوهجات و نباتات و ریشه گیاهان هم تغذیه می‌نمایند.

در جریان یک شکار شبانه دیگر روباهی به تیر آمد که وقتی بر پیکر بی جانش رسیدیم دو راس موش از دو نوع مختلف بر دهان داشت و این نشان می‌دهد که روباه ماده علاوه بر شیر دادن توله‌ها تغذیه آنها را با مواد غذایی استفراغی در زمانی که که قادر به جویدن و دریدن نیستند و یا با لاشه موش و طعمه‌های دیگر در موقعی که بچه روباهها به سن مناسبی رسیده باشند تامین می‌نماید و بودن دو لاشه موش در دهان روباه فوق‌الذکر این مطلب را تأیید می‌کند بخصوص که این دو موش از دو نوع مختلف بودند یعنی ماده روباه ابتدا یکی از آنها را بچنگ آورده و همراه خود گردش داده تا توانسته موش دومی را شکار نماید و با دست پر (دهان پر) به لانه مراجعت نماید.

زاد و ولد. روباه:

فصل جفت گیری روباه مصادف با اسفندماه است و در بعضی نقاط متناسب با شرایط جوی موعد جفت گیری ممکن است جلو افتاده و در بهمن ماه باشد و یا با تاخیر و در اوایل فروردین ماه اتفاق افتد. در این ایام روباه ماده فعل می‌شود و هر چه بیشتر خود را به روباه نر نزدیک می‌سازد. در ابتدا روباه نر توجهی ننموده و خشونت بخرج می‌دهد بطوری که گاهی کار آنها به نزاع می‌گردد و روباه نر تمایل بیشتری به خوردن غذا از خود نشان داده و سعی می‌کند که سهم غذایی زوجش را نیز بچنگ آورد. ولی این حالت دوام نیاورده و طی چند روز به نرمش و ملاطفت می‌انجامد و روباه نر شروع به نوازش و لیسیدن و بوئیدن ماده‌اش می‌نماید. در این موقع روباههای نر و ولگرد دیگری هم که در آن نزدیکی‌ها باشند خود را باین زوج رسانده و در ابراز محبت

نسبت به روباه ماده از هم پیشی می‌گیرند تا بدانجا که کارشان به نزاع و درگیری می‌رسد ولی هیچ یک ترک جمع نمی‌کند و بطوریکه قبلا هم اشاره شد گاهی چندین روباه نر در لانه‌ای که متعلق به روباه ماده و جفتش می‌باشد گرد آمده و در آنجا بیتوته می‌کنند و بوی تنندی که مربوط به ماده مترشحه از غده ریشه دمی آنها می‌باشد فضای محدود لانه را اشباع می‌نماید. عمل جفت شدن هم در داخل لانه و هم در فضای آزاد صورت می‌گیرد و همانند جفت شدن سگ‌ها می‌باشد.

مدت بارداری روباه ۸ الی ۹ هفته طول می‌کشد و تولد توله‌ها در اواخر اردیبهشت یا اوایل خرداد اتفاق می‌افتد و نوزادان در اطاقی که اختصاص به روباه ماده دارد و قبلا با پوشال نرمی مفروش و آماده شده است بدنیا می‌آیند. جفت و لخته‌های خون دفع شده توسط مادر خورده می‌شود. تعداد توله‌ها از ۳ الی ۱۲ می‌تواند باشد ولی معمولا و بطور متوسط ۶ یا ۷ قلاده می‌باشند. در موقع تولد بدن آنها از موی کوتاه ولی فشرده‌ای پوشیده است و چشم‌هایشان بسته می‌باشند و در اواخر هفته اول گشوده می‌شوند. مدت شیر دادن حدود دو ماه است و از هفته دوم بیعد توله‌ها شروع به غذا خوردن می‌کنند، ابتدا مواد استفراغ شده توسط مادر را می‌لیسند و سپس قطعاتی را که مادر جویده باشد می‌خورند و بالاخره لاشه حیوانات کوچک نظیر موش، سوسمار، کرم، سوسک و غیره را جویده و می‌بلعند و نهایتا همراه مادر و در اطراف لانه به شکار می‌پردازند و رفته رفته به تنهایی از عهده اینکار برمی‌آیند. رشد بچه روباهها نسبتا سریع است و در ده ماهگی بالغ می‌شوند و این زمان مصادف با فصل جفت گیری روباه است. در این موقع روباههای جوان لانه پدر و مادری خود را ترک کرده و هر یک راهی دیار جدید شده و جفتی برای خود انتخاب نموده، لانه جدیدی احداث می‌کنند و بطریقی که گذشت زندگی خود را که حداکثر طول آن ۱۴ سال است می‌گذرانند.

روباه حیوانی است وحشی ولی شرایط اسارت را بخوبی تحمل نموده و می‌تواند بزندگی خود ادامه دهد و اگر این شرایط به آنچه که در طبیعت جاری و برقرار است نزدیک باشد همانگونه زندگی می‌کند که در حال آزاد بودن می‌کرده است یعنی لانه کنی ، جفت گیری و شکار را انجام داده ، زاد و ولد نموده و بچه‌ها را بزرگ می‌نماید و حتی همانگونه که در طبیعت عمل می‌کند برای خود حوزه و محدوده فعالیت را تعیین می‌نماید . با توجه باین خصلت و خوی روباه از قریب یکصد سال قبل در بعضی از کشورها که اولین آنها کانادا بوده است دست به پرورش این حیوان زده و نوعی را که پوست آن مرغوب‌ترین و مورد پسند و رضایت مصرف کنندگان بوده انتخاب نموده‌اند . این روباه معروف به روباه نقره‌ای (Argeante) در طی یک قرن تقریباً اهلی شده و در پرورشگاهها بصورت دسته‌جمعی زندگی و تولید مثل می‌نماید و سهولت و با اشتیاق از غذائی که در دسترسش گذارده می‌شود تغذیه می‌نماید . امروزه در کشورهای کانادا ، سوئد ، نروژ و در ایالات شمالی آمریکا و اروپا پرورش این روباه در محوطه‌های مزروعی وسیع و کاملاً محصور که اجازه خروج به حیوانات را نمی‌دهد با بکار بستن روش‌های نو استفاده از ابزار و تجهیزات مدرن با موفقیت صورت می‌گیرد بطوری که سالیانه حدود یک میلیون قطعه پوست به بازارهای جهان عرضه و بفروش می‌رسد .

اولین پرورشگاههای روباه در ده سال آخر قرن نوزدهم و در حدود سال ۱۸۹۰ بوجود آمده‌اند و ابتکار آن از طرف کانادا بوده است که در اندک زمانی رونقی بسیار یافته و در سال ۱۹۳۶ حدود نیم میلیون قطعه پوست حاصل پرورش روباه بوده است .

نقش روباه در انتشار بیماریها :

تعدادی از بیماریهای ویروسی، میکربی و بالاخره انگلی که انسان بدانها مبتلا می‌شود مشترک بین انسان و حیوانات اهلی و وحشی بوده و در گروه Zoonose ها قرار می‌گیرند و همانگونه که از عنوان این بیماریها پیداست هر یک از حیوانات وحشی می‌توانند نقشی در نگهداری عامل بیماریزا و یا جابجا کردن آن، یعنی انتقال آن از جایی بجای دیگر و یا از بدن خود به بدن جاندار دیگر و از جمله انسان، بعهدده داشته باشند و در این میان روباه به دلایلی که مربوط به صفات ذاتی و خلقتی، کثرت، تحرک و برقرار کردن تماس و ارتباط به نحوی مستقیم یا غیر مستقیم با سایر حیوانات و بالاخره انسان است نقش قابل توجهی را در ارتباط با نگهداری و بقای برخی از بیماریها در طبیعت و یا اشاعه و انتقال آنها ایفا می‌نماید. تعداد این بیماریها نسبتا زیاد است و در این مختصر نمی‌گنجد، لذا به ذکر فقط یک نمونه از هر گروه ویروسی، میکربی و انگلی که معروف همگان می‌باشند اکتفا می‌شود.

۱- بیماری هاری :

عامل این بیماری ویروس است که بمراتب ریزتر از میکرب بوده و با میکروسکوپ معمولی قابل رویت نمی‌باشد ولی هیكل و شمایل آن با میکروسکپ الکترونیک دیده و شناخته شده است. اگر این ویروس به بدن انسان و یا حیوانات مهره‌دار خونگرمی که نسبت بدن حساس باشند وارد گردد خود را به سلولهای مغزی آنها رسانده و در آنجا سبب انهدام و فساد نسج مغزی می‌شود که عاقبتی جز مرگ حیوان ندارد و چون دانش بشری هنوز به پایه‌ای نرسیده که ویروس مزبور را در مرحله‌ای که سلولهای مغزی را مورد تهاجم قرار داده و سبب بروز و ظهور علائم بیماری می‌شود مقهور ساخته از تکثیر آن جلوگیری و نابودش سازد لذا چاره‌ای ندارد که تماشاگر صحنه بوده و ناظر بر سیر بیماری که منجر به مرگی بسیار دلخراش و فجیع می‌شود باشد.

ماجرا چنین است که این ویروس قادر به ادامه حیات و بقای موجودیت خود نیست مگر آنکه در پیکر حیوان مهره دار و خونگرمی باشد و از سیستم تغذیه‌ای سلولهای عصبی آن به نفع خود استفاده نموده تولید مثل کند و تکثیر یابد و سرانجام سلول میزبان خود را منهدم و حیوان را بسوی مرگ کشاند و برای بقای نسل خود در اواخر تابلو غم انگیز ذکر شده راهی غدد بزاقی می‌شود و همراه ترشحات آنها در حفره دهانی حضور می‌یابد تا بتواند بسادگی به بدن پذیرنده دیگری وارد شود. مثلا روباه هار که عمرش بیش از چند روز دوام نمی‌یابد دارای بزاق آلوده به ویروس می‌باشد و این ویروس بطریقی که خواهد آمد به بدن روباه یا حیوان دیگری منتقل می‌شود و بدین ترتیب بقا و ادامه حیات آن در بدن میزبان جدید برای مدت اقل ۵۰ روز تضمین می‌شود و باز در پایان این مدت با حضور در ترشحات بزاقی خود را به زخمی که در نتیجه گاز گرفتن این حیوان هار در بدن حیوان سالم دیگری حادث شده می‌رساند و از آنجا همان مسیری را که قبلا ذکر شد طی نموده و این میزبان جدید را هم بسرنوشت میزبان قبلی دچار ساخته و ادامه زندگی و موجودیت خود را باز هم برای حدود پنجاه روز دیگر تضمین می‌نماید. برای شناخت حیواناتی که این جابجائی و گردش ویروس را عملی می‌نمایند و بازیگران اصلی هستند صحنه‌ای را مجسم می‌نمائیم که در عمق آن تعداد بیشماری روباه و در بعضی گوشه‌هایش تعدادی شغال وجود دارند و ویروس هاری در بین جمعیت انبوه روباهان و شغالان از فردی به فرد یا افراد دیگر منتقل می‌شود و بطوری که گذشت بزنگی خود ادامه می‌دهد (این صحنه مخصوص ایران است، در قاره‌ها و کشورهای مختلف بازیگران دیگری بجای روباه یا شغال ظاهر می‌شوند از قبیل خفاش‌های خونخوار یا موش خرما) گاهی یکی از روباهها یا شغالان جلوتر آمده و در جمع گرگها و سگهای بیابانی (سگ گله و سگ پاسبان دهکده) و سگهای ولگرد (که معمولا در حاشیه شهرها با اجتماع زندگی می‌کنند) که در قسمت جلوتر صحنه قرار دارند وارد می‌شود و با یک یا چند تا از آنان گلاویز می‌شود و با

گاز گرفتن این یا آن ویروس هاری را به بدن آنها تلقیح می‌نماید. این گرگ و یا سگ مجروح شده پس از حدود چهل روز هار می‌شود و ضمن گلاویز شدن با گرگ یا سگی که در کنار و دسترسش می‌باشد و به‌انسانهایی هم که در مقدم‌ترین قسمت صحنه هستند حمله‌ور می‌شود. واضح است که گرگ به انسانهای دهنشین و سگ به دهنشینان و شهرنشینان و زمانی هم به گربه‌هایی که همراه انسانها هستند حمله می‌نماید. بدین ترتیب در صحنه تجسمی فوق مشاهده می‌شود که ویروس هاری از سلولهای مغزی روباه یا شغال به بزاق آنها آمده و از آنجا خود را به بدن گرگ یا سگ رسانده و پس از به فساد کشیدن سلولهای مغزی آنان همراه بزاق (آب دهان) آنها وارد بدن انسان یا گربه و یا حیوانات دیگر می‌شود و همان سرنوشتی را برای این میزبانان جدید تدارک می‌بیند که برای میزبانان اصلی یعنی روباه و شغال فراهم می‌نماید.

شرح گردش ویروس در طبیعت نشان می‌دهد که ادامه حیات و بقای ویروس هاری (در ایران) به قیمت قربانیهای بیشماری است که به ترتیب روباه و شغال می‌دهند. در این رهگذر حیوانات دیگری هم که در راس آنها گرگ و سگ قرار دارند آلوده می‌گردند و چون در جریان بیماری حالت خشم و حمله بآنها دست داده و تمایل بگاز گرفتن پیدا می‌کنند ویروس هاری را با هیاهو و سر و صدای بسیار به انسان منتقل می‌نمایند. رعب و وحشت حاصل از حمله گرگ و یا سگ موقعی بحد اعلی و تکان دهنده‌اش می‌رسد که علائم بیماری هاری پس از حدود چهل روز در بین کسانی که بوسیله این حیوان مجروح شده‌اند ظاهر می‌گردد و آنها را در طی چند روز از نعمت زندگی محروم و با وضع اسف باری به نیستی می‌کشاند. در ذهن مغشوش و متاثر کسان و اطرافیان خاطره نامطلوب این واقعه ثبت و گوشه‌ای از آن به حیوان مسئول فاجعه یعنی گرگ و یا سگ تعلق می‌یابد و در گذشت زمان شرح واقعه برای کودکان و کسان دیگر بازگو می‌شود و مطلب به نسل بعدی هم بگونه‌ای که اصطلاحاً "سینه به سینه گویند منتقل می‌گردد، و آنچه که در کلیه سرگذشت‌ها و شرح وقایع تقریباً مشابه ثابت و مشترک است حضور

او دخالت گرگ یا سگ می باشد و این موضوع بصورت یک اصل در جامعه پذیرفته شده در حالی که واقعیت چنان است که قبلا در شرح صحنه طبیعی هاری آمد و روباه و شغال بعنوان بازیگران اصلی هستند که معرفی شدند .

لازمست در اینجا بنا بر ضرورت و اهمیت مطلب کمی حاشیه رفته و توجه و دقت خوانندگان را بسئوال و جوابی که بسیار شایان اهمیت است جلب کرد .

کسی که بوسیله گرگ ، سگ ، شغال ، گربه ، روباه و یا هر حیوان هار و یا مشکوک

به هاری گزیده و زخمی می شود چه باید بکند؟

همانطور که در صفحات قبل اشاره شد ویروس بیماری هاری در بزاق حیوانات هار وجود داشته و همراه آن به خارج ریخته می شود حال اگر چنین حیوانی انسان را گاز گرفته و مجروح نماید مسلما زخم حاصل با آب دهان آن حیوان که حاوی ویروس است آغشته می شود و ویروس در زخم جای گیر می شود لذا باید برای پاک کردن آن از وجود ویروس اقدامات زیر را بعمل آورد .

۱- از خونریزی زخم اگر در اثر پارگی یک رگ بزرگ و بشدت خونریز نباشد نباید جلوگیری کرد و خونریزی کم یا متوسط را باید بحال خود گذاشت و حتی با فشار دادن به اطراف جراحات جریان آنرا تسهیل نمود زیرا جوشش خون از زخم و جریان آن خود باعث شسته شدن زخم و بیرون ریختن ویروس می گردد .

۲- در اسرع وقت و هر چه زودتر می بایست با دقت فراوان زخم را با آب و صابون شست و برای اینکه عمق و تمام زوایای آن بخوبی شسته شده و آب صابون در آن نفوذ نماید لازم است که از فرچه ریش تراشی و یا قلم مو و در صورت نبودن این وسائل از پنبه و یا قطعه ای پارچه استفاده نمود . باید متذکر شد که شستشوی با آب صابون فوق العاده مفید و اثر بسیار شایانی در جلوگیری از ابتلاء به هاری دارد زیرا ویروس هاری در برابر صابون مقاومت ننموده و بعلت حل شدن چربی که در جدار خارجی آن وجود دارد منهدم و از بین می رود .

۳- بدون اتلاف وقت و با سریعترین وسیله شخص مجروح باید به مراکز درمان پیش گیری هاری که در کلیه مراکز استان و بسیاری از شهرها وجود دارد اعزام گردد تا درمان لازم که عبارت از تزریق سرم و واکسن می باشد اجرا شود .

۴- اگر مجروح قبل از رسیدن به مراکز درمانی فوق الذکر به پزشک مراجعه نماید باید شرح واقعه و چگونگی مجروح شدنش را بدقت بازگو کند تا پزشک با اندیشه اینکه حیوان گزنده ممکن است هار بوده باشد از بخیه زدن و دوختن زخم خودداری نموده و فقط بیک پانسمان بسیار سبک و نازک بطوری که مانع نفوذ هوا به زخم نشود اکتفا نماید و بیمار را برای رسیدن به مراکز درمانی راهنمایی کند . زیرا بخیه و پانسمان فشرده و ضخیم ویروس را در عمق زخم محبوس و آنرا از اثر اکسیژن هوا که دراز بین رفتن ویروس کمک می کند محفوظ می دارد .

هرگز نباید زخم حاصل از گزش حیوان مشکوک به هاری را بخیه نمود و فقط

می توان رگ خونریز را بست

۵- حتی الامکان باید سعی شود که حیوان گزنده در صورتیکه اهلی باشد (سگ ، گربه) دستگیر و تحویل مراکز درمانی گردد تا در قرنطینه و تحت نظر قرار گیرد و اگر دستگیری آن امکان نداشت باید محل و مشخصات آن به دقت بمسئولین مراکز درمانی گزارش شود . در صورتیکه حیوان مهاجم وحشی بوده (گرگ ، شغال ، روباه) و تصادفا توسط همراهان مجروح کشته شده باشد حتما می بایست کله آنرا از تن جدا نموده و در ظرف دربسته ای قرار داده و بانستیتو پاستور ایران فرستاد تا مغز آن مورد آزمایش قرار گیرد . واضح است که بریدن سر و قرار دادن آن در ظرف سربسته و محفوظ می بایست با دقت و رعایت اینکه عمل کننده خود را آلوده نکند انجام شود و در این منظور می بایست از ریخته شدن آب دهان حیوان روی دست و سر و صورت شخص جلوگیری شود بنا بر این استفاده از دستکش و عینک ضروری خواهد بود .

۶- وقتی که شخص مجروح به مرکز درمانی رسید باید خود را موظف باجرای

دستورات درمانی نموده و در تاریخ‌های تعیین شده جهت معاینه و دریافت واکسن و تزریق آن حاضر شود و هرگز سهل انگاری و فراموشکاری را مرتکب نشود زیرا ممکن است بقیمت جانش تمام شود .

تذکر: از خوانندگان عزیز این مطالب تقاضا می‌شود که نکات فوق‌الذکر را نه تنها فراموش ننموده و همیشه در مد نظر داشته باشند بلکه با افراد خانواده، دوستان و آشنایان هم اجرای آنرا قویا " توصیه نمایند .

۲- طاعون

طاعون یک بیماری میکروبی است که اگر تشخیص زودرس و درمان مناسب صورت نگیرد بدعاقبت و کشنده می‌باشد. عامل بیماری‌زای آن از خون جوندگان وحشی صحرا و اهلی به دستگاه گوارش کبک جونده وارد شده در آنجا تکثیر یافته و با نیش این حشره به بدن حیوانات دیگر از جمله انسان وارد می‌شود. بیماری مخصوص جوندگان صحرائی است و در مناطق کردستان واقع در مثلث میاندوآب، کرمانشاه، همدان و همچنین در اراضی حوض کراب واقع در آذربایجان شرقی بصورت بومی وجود دارد. جوندگان حساس به طاعون اگر آلوده به میکرب آن گردند در عرض ۲ - ۳ روز در حالی که تعداد زیادی میکرب در خونشان دیده می‌شود تلف شده و از بین می‌روند. در ایامی که میکرب در خون جونده بیمار است کیک‌های آن از این خون تغذیه نموده و تعدادی میکرب را می‌بلعند. میکرب‌ها در معده این کیک‌ها تکثیر یافته و راه عبور خون را مسدود می‌نمایند. در این موقع کیک که عادت دارد چندین بار در روز خون بخورد میزبان خود را نیش می‌زند ولی خون مکیده شده را نمی‌تواند وارد معده‌اش کند زیرا مدخل آن با گروه بیشمار میکرب پر و بسته شده است بناچار خون مکیده شده را که با توده‌های انبوه میکرب مخلوط شده به کمک انقباض

عضلات بلعی برگردانده و از همان جای نیش وارد بدن میزبان می‌نماید و بدین ترتیب تلقیح میکرب طاعون عملی می‌شود. حیوان تلقیح شده پس از چند روز علائم بیماری طاعون را ظاهر ساخته و قبل از مرگ تعدادی از کیک‌ها را که از خورش تغذیه می‌نمایند آلوده می‌سازد.

در شرح احوالات روباه گفته شد که این حیوان در ارتباط صمیمی با جوندگان صحرا بوده و حتی گاهی اقدام به کندن لانه آنها می‌کند تا احتمالاً به لاشه‌ای که بوی آن را استشمام نموده دست یابد که در اکثر مواقع توفیقی نصیبش نمی‌گردد. ولی آنچه که بعنوان حاصل این تماسها اتفاق می‌افتد ورود میکرب طاعون به بدن روباه می‌باشد که یا از طریق خوردن لاشه موش‌های مرده از طاعون و یا توسط نیش کیک‌های آلوده به طاعون این جوندگان صورت می‌پذیرد. روباه که نسبت به طاعون مقاوم بوده و دچار بیماری حاد و کشنده نمی‌شود بعنوان یک میزبان خوب و با دوام همیشه تعداد زیادی کیک را در لابلاهی موهای پرپشت خود که بهترین مکان برای این حشره است جای داده و بدوش می‌کشد و آنها را از نقطه‌ای به نقطه دیگر حمل نموده و در اطراف و اکناف خاستگاهشان پراکنده می‌سازد و امکان اشاعه و انتشار طاعون را فراهم می‌آورد. لذا با توجه به این نکته که اولاً روباه در اکثر مواقع حامل تعداد زیاد و گاهی بیشتر کیک بوده و ثانیاً ممکن است در بین آنها کیک‌های آلوده به طاعون هم وجود داشته باشند لازم است که لاشه روباه شکار شده را با دقت و احتیاط کافی در کیسه‌ی پلاستیکی نهاده و دهانه آنرا با نخ مناسبی بخوبی بست تا کیک‌ها قادر به خروج نبوده و پراکنده نشوند، در غیر این صورت مثلاً اگر یک شکارچی جسد روباه را خود به دوش کشیده و یا در خورجین اسب شکارش نهاده و یا در اطاق اتومبیلش رها سازد بلافاصله پس از سرد شدن لاشه کیک‌ها به جنب و جوش آمده و از لابلاهی موها بیرون جسته و در جستجوی بدنی گرم خود را به تن شکارچی یا همراهان وی می‌رسانند و آنها را زیر ضربات نیش خود قرار می‌دهند که اگر آلوده به میکرب طاعون هم باشند آنها

را در معرض خطر ابتلا به بیماری طاعون نیز خواهند گذاشت .

گاهی تعداد کیک‌های روباه بقدری زیاد می‌شود که قابل تحمل برای حیوان نبوده و وی را بچاره جوئی وامی‌دارد . روباه از ذکاوت ذاتی و قدرت چاره جوئی طبیعی‌اش سود برده و بقاری که Simonne Jacquemard در کتابش که حاصل ده سال مطالعه و تجربه روی روباه است می‌نویسد به روش زیر کیک زدائی می‌کند .

" در حاشیه نهر یا جویباری که شرایط آن از لحاظ سرعت جریان آب و عمق مناسب باشد طوری قرار می‌گیرد که نوک دمش با آب تماس یافته و در آن فرو رود و سپس با حوصله و به آرامی نه تنها دم ، بلکه پاها ، شکم ، کمر ، سینه و بالاخره گردن و حتی گوش‌ها و سر را داخل آب می‌کند و تنها پوزه و منخزین را خارج نگهداشته و غرق نمی‌کند تا تنفس برایش مقدور باشد . در مدتی که این چنین با تانی و آهستگی هیکل خود را در آب فرو می‌برد کیک‌ها برای اجتناب از غرق شدن مرتباً خود را بالا و بالاتر کشیده و بالاخره در سطح کوچکی که عبارت از فاصله چشم‌ها و سوراخهای بینی باشد جمع می‌شوند ، در این موقع روباه با حرکت سریعی پوزه خود را هم در آب فرو برده و در جهت مخالف جریان آب فاصله کوتاهی را طی نموده و از آب خارج می‌شود و بدین ترتیب کیک‌ها را در آب رها و سرگردان نموده و خود به خشک کردن موهای فاقد کیک‌اش می‌پردازد " برخی نقل و قول‌ها هم حاکی از آنست که روباه مکار و زرنگ قبل از شروع عملیات فوق‌الذکر دسته‌ای علف به دندان می‌گیرد و در آخرین لحظات که کلیه کیک‌های فراری بر روی آن جمع شدند در جریان آب رهایش می‌سازد و خود از آب درآمده و تن را به آفتاب می‌سپارد تا خشک شود .

لانه روباه هم بعلت تاریکی و داشتن رطوبت و حرارت مناسب محل واجد شرایطی است برای تکثیر و پرورش یافتن کیک و کنه و در هر گوشه و زوایای آن و همچنین در لابلای خار و خاشاک و پوشال و غیره صدها و بلکه هزاران کیک و کنه در مراحل

و سنین مختلف بصورت تخم ، لارو و حشره بالغ یافت می شوند . این موجودات بویژه کنه‌ها می‌توانند ناقل بیماریهای دیگر مخصوصا تب‌های بازگرد باشند ، لذا لازم است در برخورد با چنین لانه‌ای بخصوص اگر کند و کاوی در میان باشد نهایت احتیاط و دقت را نمود و از قرار گرفتن در معرض نیش خونخواران مذکور بشدت اجتناب نمود .

۳- کیست هیداتیک آلوالر

یا

مولتی لوکولاریس

Kyste Hydatique Alveolaire/ Multilocularis

این یک بیماری انگلی است و حاصل رشد و تکامل لارو انگلی بنام اکینوкок می‌باشد ، مشابه این انگل در سگ هم دیده می‌شود و برای روشن شدن مسئله سیر تکاملی این دو نوع انگل باختصار شرح داده می‌شود .

انگل بالغ بصورت کرم است که در نوع سگی بطول ۳ الی ۳/۵ میلیمتر است و در نوع روباهی ۲ الی ۲/۵ میلیمتر و هر یک در روده حیوان میزبان خودش زندگی می‌کند . تخم این کرم‌ها همراه مدفوع سگ و روباه بخارج ریخته شده و همراه علوفه یا دانه‌های گیاهی توسط حیوانات دیگر خورده می‌شوند . تخم انگل نوعی سگی در روده گاو و گوسفند و بز شکفته شده و انگل بیماری‌زا یعنی لارو خود را به اعضای مختلف بخصوص کبد ، ریه و یا پرده صفاق رسانده و در آنجا ثابت شده و ایجاد کیست می‌نماید که معروف به کیست هیداتیک است ، تخم انگل نوع روباهی نیز توسط جوندگان صحرائی خورده می‌شود و پس از شکفته شدن لاروی از آن خارج می‌شود که از جدار روده عبور نموده و در کبد یا ریه یا پرده صفاق ایجاد کیست می‌نماید که معروف به کیست هیداتیک

آلوالر یا مولتی لوکولاریس است. اگر انسان هم همراه سبزیجات و مواد غذایی و یا ذرات خاک تخم این انگل‌ها را بخورد مبتلا به کیست هیداتیک خواهد شد و بسته باینکه تخم کدام انگل را خورده باشد نوع کیست هیداتیک فرق خواهد کرد. اختلاف کیست هیداتیک که از تکامل لارو انگل اکینوкок نوع سگی بوجود می‌آید با کیست هیداتیک مولتی لوکولاریس که از تکامل لارو انگل اکینوкок نوع روباهی پدید می‌آید در اینست که اولی در غالب مواقع یک کیست واحد است که رفته رفته بزرگ می‌شود و عضو میزبان (کبد ، طحال ، ریه و غیره) را تحت فشار قرار داده و از اعمال فیزیولوژیکی آن جلوگیری و فعالیت طبیعی آن را مختل می‌نماید و در ضمن و به مرور ایام ممکن است جدار کیست پاره شود که در اینصورت بعلت بیرون ریختن محتوی کیست که دارای جوانه‌های (اسکولکس) متعددی است و هر یک قادر بایجاد کیست همانند کیست مادر می‌باشد ، کیست‌های فراوانی ایجاد گردد و این بسیار خطرناک است ، زیرا بر خلاف کیست اولیه که قابل عمل بوده و به کمک جراحی قابل درمان است این کیست‌های متعدد را نمی‌توان با جراحی درمان نمود و لاجرم بیمار می‌بایست در انتظار عاقبت و سرنوشت نا مطلوب چند صباحی را با تحمل ناراحتی بگذراند .

کیست مولتی لوکولاریس از بدو شروع و ابتدای پیدایش چنین است بلافاصله پس از بوجود آمدن کیست اولیه جوانه‌هایی در اطراف آن پدید آمده و هر یک به کیستی تبدیل می‌شود و بسرعت تعداد آنها زیاد می‌شود و امکان هر نوع معالجه و جراحی را غیر مقدور می‌سازد .

انسان چگونه دچار این بیماری می‌شود؟ بطوری که گفته شد تخم انگل همراه مدفوع سگ و یا روباه به محیط خارج ریخته خاک باغچه و محل زندگی سگ و همچنین بدن و موهای این حیوان را آلوده می‌کند و مدفوع روباه هم بهمین ترتیب ، حال اگر انسان سبزیجات آلوده به ذرات مدفوع سگ را که حاوی تخم انگل است بخورد و یا

اینکه سگ آلوده بانگل را که مسلماً موهایش نیز آغشته بذرات مدفوع و نتیجتاً تخم انگل است نوازش نماید و بدون رعایت نظافت و شستن دست‌ها بغذا خوردن پردازد امکان خواهد داشت که تعدادی تخم انگل را به دهان خود رسانده و ببلعد و نتیجه آن مبتلا شدن به کیست هیداتیک خواهد شد و همچنین اگر بمناسبتی دست‌هایش آغشته به ذرات خاک و یا مدفوع روباه گردد که حاوی تخم انگل باشد و در اثر بی احتیاطی و عدم توجه لقمه غذائیش را آلوده نموده و تخم انگل را ببلعد به کیست هیداتیک مولتی لوکولاریس دچار خواهد شد. این واقعه بیشتر از همه برای شکارچیان که پس از شکار روباه موها و بخصوص دم آنرا بمنظور ارزیابی و تعیین کیفیت آن لمس و دستکاری می‌نمایند پیش می‌آید بخصوص موقعی که بدون استفاده از دستکش بکندن پوست حیوان پردازند. لذا باید این نکته را در نظر داشت که پس از دست زدن به لاشه روباه و کندن پوست آن حتی اگر از دستکش هم استفاده شده باشد بلافاصله دست‌ها را با آب و صابون با بهره‌گیری از ناخن شوی به دقت شست تا واقعه جبران ناپذیر یعنی ابتلا به کیست هیداتیک مولتی لوکو لاریسس پیش نیاید.

شکار روباه

شکار روباه از قدیم رایج و مورد علاقه شکارچیان بوده و انگیزه آنرا هم می‌توان دست یابی به پوست مرغوب و زیبای آن دانست. در بعضی کشورها هم نظیر انگلستان و فرانسه شکار روباه بعنوان یک تفریح و ورزش سنتی مخصوص طبقه اشراف و صاحبان جاه و مقام بوده و با تشریفات خاصی صورت می‌گیرد. شکاری است دسته جمعی که طی آن شکارچیان با رعایت مبادی و آداب بر اسب‌های آراسته نشسته و با همراه داشتن تعدادی سگ از نژاد مخصوص و تربیت شده بشکارگاه می‌روند و با دیدن روباهی به تعقیبش می‌پردازند تا اینکه در تنگنایی ناظر بر هلاکت آن بوسیله

چنگ و دندان سگ‌ها باشند. عده‌ای هم به ویژه روستائیان برای تلافی نابکاریها و خلاصی از شرارت‌ها و خسارتهای ناشی از شیخونه‌های آن به مرغدانی‌ها و تاکستانها تمایل به شکار و نابودیش را داشته و در نیل به مقصود به حربه‌های گوناگون توسل می‌جویند.

امروزه انگیزه دیگری که ریشه بهداشتی داشته و خواستگاه آن تامین سلامت و تندرستی انسانها و حفاظتشان در برابر بیماریهای جانکاه بویژه هاری می‌باشد کلیه دلایل فوق الذکر را تحت الشعاع قرار داده و موجب گردیده که شکارروباه‌برابربرنامه‌های دقیق و حساب شده‌ی علمی با استفاده از ابزار و وسائل مدرن و بکار بستن روش‌های مختلف و صرف هزینه‌های سنگین صورت گیرد. در اجرای این برنامه با نظارت و راهنمایی‌های علمی و کمک‌های مادی سازمان جهانی بهداشت مقدمات مطالعات وسیع و گسترده‌ای در احوالات روباه و نحوه زندگی آن صورت گرفته که ذیلا فشرده و کوتاه شده‌ای از آن بازگو می‌شود.

بخاطر اینکه در دو دهه اخیر موج وسیعی از بیماری هاری در شرق اروپا ظاهر و بطرف غرب این قاره در حال پیشروی بوده و شیوع آن با آهنگ سریعتری ادامه داشته است کارشناسان بر آن شدند که رفتار و سلوک روباه را مورد توجه و امان نظر قرار داده و مراتب و مراحل مختلف زندگی آن را به مهار تحقیق و بررسی کشند. در انجام این مقصود عملیات زیر را با موفقیت انجام داده‌اند.

۱- دستگیری روباه: وسیله‌ای که نتایج کاربرد آن برای دستگیری روباه بسیار رضایت بخش است تور می‌باشد و این درست برخلاف تله‌های گوناگون می‌باشد که بهر ترتیب توجه روباه‌بدانها جلب شده و بطوری که در شرح مربوطه گذشت بقیمت چندین روز گرسنگی و یا کسندن راهرو زیر زمینی از قدم گذاشتن بر آنها اجتناب می‌کند، تور را برابر عکس شماره (۴) بر دهانه‌های ورودی و خروجی لانه پهن نموده و حیوان را چه در حال ورود و چه در حال خروج بدون اینکه ضایعه و آزاری بر

پوست و اندامهای آن وارد شود دستگیر می نمایند .



عکس ۴- گستردن تور بر لانه روباه

۲- بستن فرستنده رادیویی به گردن روباه و آزاد نمودن آن (عکس شماره

۳- تعقیب روباه و مشخص نمودن محل آن به کمک دستگاههای گیرنده که جهت و

فاصله دستگاه فرستنده‌ای را که به گردن روباه بسته شده است تعیین می‌نماید .

(عکس‌های شماره ۶ و ۷)



عکس ۵ - بستن فرستنده رادیوئی بگردن روباه



عکس ۶ - تعیین محل روباه با دستگاه گیرنده
و مشخص نمودن آن روی نقشه



عکس ۷ - ردیابی روزانه از روباههای
حامل دستگاه فرستنده

بدین ترتیب تغییر مکان روباه و جابجائی آن در زمان معین مثلا ۲۴ ساعت، یک هفته، یک ماه و غیره بدقت تعیین و محدوده فعالیت آن مشخص و بالاخره ارتباط و تماس آن با سایر روباههای حامل فرستنده که موقعیت و مکان هر یک معلوم می‌باشد فهمیده شده و یادداشت می‌گردد. اگر احیانا یکی از روبهان حامل فرستنده در اثر بیماری یا هر علت دیگر مرده باشد به کمک دستگاه ردیاب جسد آن کشف و جهت شناخت بیماری و علت مرگ به آزمایشگاه حمل شده و مورد آزمایش قرار می‌گیرد. مثلا در مورد بیماری هاری به کمک این سیستم اطلاعاتی می‌توان از سرعت و جهت پیشرفت آن آگاهی یافته و تدابیر پیشگیری را با استفاده از فرصت بکار بست.

همانگونه که در آلمان غربی و مرزهای شرقی فرانسه با بسیج پرسنل آزموده و کارآ و استفاده از وسائل و بکار بستن روش‌های گوناگون از قبیل وارد کردن گاز سمی به لانه روباه، تله گذاری، بکار بردن طعمه سمی و بالاخره استفاده از اسلحه گرم تعداد زیادی روباه را معدوم و تراکم آنها بحدی کم کرده‌اند که فاصله یک روباه و یا یک خانواده از روباه دیگر بیش از شعاع عمل و فعالیت حیوان شده و در نتیجه اگر روباهی دچار هاری می‌گردد فاصله‌اش با روباههای دیگر آنقدر زیاد است که نمی‌تواند خود را به آنان رسانده و بیماری را قبل از مرگش به دیگری منتقل سازد، لذا ویروس هاری در جسد محبوس مانده و محکوم به فساد و نابودی می‌شود. حاصل این مبارزه و کم کردن تعداد روباهها بدون اینکه حتی احتمال براندازی نسل حیوان را در پی داشته باشد تقریبا از گسترش ویروس بیماری هاری و پیشرفت آن بسوی غرب اروپا جلوگیری و همه گیری آن را متوقف و خاموش ساخته و خطر ابتلائات انسانی به بیماری مرگ آفرین هاری را از بین برده است.

ملاحظه می‌شود که در کشورهای پیشرفته و دارای تکنیک علمی و سطح فرهنگی بالا چه ارزشی برای جان انسانها قائل بوده و برای حفاظت آنها از گرفتاریهای ناگوار و بد عاقبت چه اقدامات و تدابیر خاصی را با تحمل زحمت و صرف هزینه

فراوان بکار می‌بندند تا مبادا صحت و سلامت افراد ملت در معرض خطر قرار گیرد و جان شریف انسانی که پربهاترین و ارزنده‌ترین متاع جهان هستی می‌باشد از کف برود .

اینک با توجه بآنچه که مقدمنا" در توجیه شکار روباه مذکور افتاد شکار شبانه روباه را با روش جدید که موفقیت آن چشم گیر است مشروحا بیان می‌داریم .

شکار روباه :

الف - وسائل : بطوری که در صفحات قبل اشاره شد روباه حیوانی است که در ایام روز و روشنایی کمتر و بندرت از خفاگاهش خارج شده و خود را آفتابی می‌کند ولی با شروع تاریکی هوا و آغاز شب بحرکت درآمده و به گردش می‌پردازد و فعالیت شبانگه‌اش را تا سحرگاه ادامه می‌دهد لذا اگر شکارچی در طول شب به جستجوی آن اقدام نماید شانس و امکان بسیار زیادی در دیدن حیوان و توفیق فوق‌العاده‌ای در شکار آن خواهد داشت مشروط به اینکه وسایل زیر فراهم باشد .

۱- اتومبیل دو دیفرانسیاله : که با داشتن مشخصات فنی و قدرت عمل و حرکت بسیار خوب اتومبیل ایده‌آل برای شکار شباه روباه است مانند اتومبیل جیب ، می‌بایست چادر و شیشه جلوئی‌اش برداشته شده باشد تا سرنشینان از حداکثر آزادی عمل و میدان دید وسیع بهره‌مند باشند . (عکس شماره ۸) .

۲- نورافکن : از نوعی که با باطری دوازده ولت اتومبیل کار کند و دسته نور را هر چه جمع تر و بفاصله‌ی ۶۰ الی ۸۰ متر هدایت نماید .

۳- تفنگ : باید گلوله زن با کالیبر ۲۲ و مجهز به دوربین باشد . مطلوب‌ترین آن تفنگ هورنت گلنگدنی است که دارای خشاب جهت ۵ تیر فشنگ بوده و دو ماشه‌ای است که ماشه اول حساس کننده می‌باشد .

۴- پوشاک : سرنشینان اتومبیل روباز باید مجهز به البسه گرم شامل کلاه پشمی ،



عکس ۸ - گروه سه نفری شکار شبانه روباه

از چپ بر راست : آقایان محمد حنیفی - میر عظیم قاسمی * - محمد خیراللهزاده که با دلبستگی و علاقه وافر در کلیه فعالیت‌های تحقیقاتی موضوع این کتاب شرکت داشته‌اند ، آنچه که در این دفتر آمده است حاصل همکاریهای ارزنده و بسیار صمیمانه و صادقانه آنان است .

نگارنده

پول‌اوور یقه‌دار ، شال گردن پشمی ، کت مخصوص (اوورکت) زیرپوش پشمی ، شلوار ضخیم ، جوراب پشمی ، پوتین ، دستکش و بالاخره عینک شیشه‌ای بی رنگ باشند تا تن را از سرمای شدید و چشم‌ها را از سوز باد و ذرات ریز و درشت که هر چه سرعت ماشین بیشتر شود با فشار بیشتری بصورت شکارچی‌ها می‌خورند حفظ نمایند .

۵ - کیسه نایلونی و نخ پرک : برای جلوگیری از آزاد شدن و پراکندگی انگل‌های خونخوار جلدی روباه همانند کیک و کنه و حفظ شکارچیان از نیش احتمالا آلوده به

* متأسفانه ، بتاريخ ۶۴/۷/۱۰ در مراجعت از ماموریت علمی ، طی حادثه اتومبیل در جاده زنجان - قزوین چشم از جهان فرو بست ، یادش زنده و گرامی باد .

میکرب و بیماریزای آنها لازم است که لاشه روباه شکار شده را در کیسه نایلونی بابعاد ۴۰ × ۷۰ سانتیمتر قرار داده و لبه آزاد آنرا پس از تا کردن جمع نموده و بدقت با نخ پرک بست. کیسه باید از نایلون نسبتاً ضخیمی باشد تا تاب سنگینی جثه روباه را داشته و به آسانی پاره و شکافته نشود.

۶- دو شاخه فلزی: عبارتست از میله یا لوله فلزی (مثلاً لوله آب ۷۵/۰ اینچی) بطول ۱/۲ الی ۱/۳ متر که انتهای آن به دو شاخه نوک تیز و اندکی قوس دار ختم می‌شود. فاصله دو شاخه انتهائی باید طوری باشد که گردن روباه در بین آن دو جا بگیرد ولی جمجمه قابل عبور از فاصله آن دو نباشد. این دو شاخه برای حمل جسد روباه از محل افتادنش تا بیای اتومبیل است بدون اینکه دست شکارچی به بدن آن بخورد.

یادآوری: اگر شکار بمنظور تحقیقات و نمونه برداریهای علمی باشد در این صورت لازم خواهد بود که قبل از داخل نمودن جسد در کیسه نایلونی (بکمک دو شاخه موصوف) مقدار لازم از خون قلب حیوان بوسیله سرنگ و سوزن مناسب کشیده شده و مشخصات مورد نیاز از قبیل تاریخ، محل شکار و شماره حیوان روی برچسبی نوشته شده و بروی سرنگ حاوی خون و همچنین کیسه نایلونی چسبانده شود.

ب- گروه شکار: از سه نفر تشکیل می‌شود که عبارتند از راننده، مسئول نور و تیرانداز. این سه نفر در کنار هم و در صندلی‌های جلوئی جیب بطوری که نفر تیرانداز در سمت راست باشد جای می‌گیرند.

ج- نحوه شکار: پس از آنکه جیب حامل گروه سه نفری به شکارگاه رسید، هر یک از افراد گروه باید با دقت و حوصله کافی بانجام وظائف مشروحه در سطور ذیل بپردازند ولی آنچه که جملگی باید رعایت نمایند سکوت است و موقعی که بحضور روباهی در اطراف و شعاع عمل خود پی بردند می‌بایست از صحبت کردن و حرف زدن مطلقاً اجتناب نموده و فقط با اشاره و باصطلاح سوک زدن بشانه همدیگر آمادگی خود را

برای اقدام اعلام نمایند .

۱- رانندگی : سرعت اتومبیل نباید از بیست کیلومتر در ساعت تجاوز نماید و این برای زمانی است که جستجوی شکار صورت می‌گیرد و موقعی که شکار پیدا شد سرعت باید باز هم کمتر شود و بحدود ده کیلومتر در ساعت برسد . رانندگی باید یک نواخت و بدون سر و صدا باشد و برای رسیدن به این حالت لازم است که سرو صدای ماشین گرفته شده باشد مثلا اگر کاپوت صدا می‌کند باید فنرهای ثابت کننده آن ، لولاها ، نوارهای لاستیکی و غیره رسیدگی و در صورت لزوم تعمیر و روغن کاری شود . بهمین ترتیب گل‌گیرها ، رادیاتور ، پدال ترمز ، کلاچ ، صندلی‌ها ، لوله‌آگزوز ، خزینه‌آگزوز و غیره باید بازدید و هرگونه لقی و سائیدگی آنها که سبب سر و صدا باشند برطرف گردد .

راننده باید خونسرد بوده و بدون عجله عمل نماید و بمحض مشاهده روباه بخصوص اگر فاصله زیاد باشد فوراً در جهت آن تغییر مسیر ندهد بلکه کمی به راست یا چپ محل شکار رانده و کم کم زاویه حادث بین خط سیر و خط مختوم به روباه را کم کند و در فاصله مناسبی طوری توقف نماید که روباه درست روبروی ماشین باشد و در این موقع چراغهای ماشین را خاموش کند . لازم است در اینجا بدو نکته اشاره شود .

الف : چگونگی دیده شدن روباه - جز در موارد استثنائی که ممکن است روباهی در حال عبور از مسیر اتومبیل در محوطه نورانی قرار گرفته و هیكل آن از نیمرخ و یا از پشت سر دیده شود معمولا سرنشینان جیب چشم‌های روباه را بصورت دو نقطه نورانی به رنگ سبز مایل به آبی مشاهده می‌کنند ، ممکن است این دو نقطه نورانی مربوط به چشم حیوان دیگری نظیر سگ ، گرگ ، شغال و خرگوش باشد و اگر تعداد این نقطه‌های نورانی زیاد باشد مربوط به گله گوسفند و بعضا از آن گله قوچ و میش و یا آهو خواهد بود . انعکاس نور از چشم هر حیوانی منظره خاصی دارد و در نگاه اول نمی‌توان حیوان صاحب چشم‌ها را تشخیص داد ، معمولا چشم‌های روباه بصورت دو نقطه نورانی برنگ

سبز مایل به آبی دیده می‌شوند در صورتیکه از آن گرگ، خرگوش و گربه وحشی مایل به قرمز بوده و از آن سگ و شغال بیشتر آبی مایل به سبز می‌باشد. چشم گوسفند، قوچ و میش و آهو هم آبی مایل به سبز ولی پر نورتر و درشت‌تر است معذالک تشخیص قطعی موقعی مقدور خواهد بود که هیکل حیوان صاحب چشم‌ها به دوربین نفر تیرانداز کشیده شود.

ب - راننده باید سعی نماید که ماشین را در وضع مناسبی نگهدارد تا تکیه‌گاهی برای تیرانداز در لبه داشبورد فراهم گردد و حتی‌المقدور از نگهداشتن اتومبیل بحالتی که شکار در طرف راست آن قرار گیرد خودداری نماید زیرا در این صورت تیرانداز تکیه‌گاهی برای آرنج خود نداشته و مجبور خواهد بود که باصطلاح سر دست تیراندازی نماید و یا حداکثر آرنج را به زانوی خود تکیه دهد و در هر دو حالت از دقت تیر کاسته خواهد شد و در نتیجه ممکن است تیر به نقطه نشانه که معمولا شانه حیوان است اصابت ننموده و باعث شود که شکار با وجود زخمی شدن فرار نموده و در تاریکی شب مفقود شود. هرگز نباید اتومبیل در حالی متوقف شود که شکار در سمت چپ آن قرار داشته باشد.

۲- نوراندازی: نفری که بین راننده و تیرانداز قرار گرفته و نورافکن را به دست دارد وظیفه‌اش بسیار مهم است که انجام آن نیاز به دقت و ظرافت عمل دارد. باید طوری روباه را در دایره نورانی قرار دهد که حیوان وحشت زده نشود بلکه خود را در امنیت حس کند. البته این بگفتار نمی‌گنجد و فقط در عمل است که شخص مسئول نور متوجه می‌شود که رفتارش چگونه باید باشد تا منظور حاصل شود. اگر روباه در فاصله دوری باشد که اجازه تیراندازی را ندهد لازمست که دسته نورمستقیما " بر روی آن نباشد بلکه طوری هدایت شود که روباه در حاشیه نور طوری قرار گیرد که درخشندگی چشمانش بطور مختصر قابل روئیت باشد و موقعی باید در وسط دایره نوارنی قرار گیرد که اتومبیل در وضع مناسبی متوقف و موتور و چراغهایش خاموش شده باشند. مسئول

نور باید متوجه باشد که نور نورافکن قسمت جلوئی ماشین را روشن نکند، در غیر این صورت قسمتی از کاپوت و گل‌گیرها قابل رؤیت برای روباه بوده و سبب فرار آن خواهد شد. برای اجتناب از این پیش‌آمد لازمست که دارنده پروژکتور بازوی خود را از آرنج خم ننموده و نورافکن را چسبیده به سینه خود نگه ندارد بلکه باید آنرا تا حد امکان جلو ببرد یعنی بازوی خود را بحالت کشیده نگهدارد. این عمل از جهت دیگری نیز ضروری است زیرا در این حالت نور پروژکتور عدسی چشمی دوربین تفنگ را که به روی لبه داشبورد قرار می‌گیرد روشن ننموده و مزاحم نشانه روی نمی‌شود.

۳- تیراندازی: بلافاصله پس از توقف اتومبیل نفر تیرانداز با اطمینان از وضع تفنگ که گلوله‌ای در لوله داشته و به ضامن می‌باشد شکار را به دوربین کشیده و بکاوش دقیق در صحنه می‌پردازد تا اولاً خیالش آسوده شود که جز روباه حیوان دیگری در محوطه نیست و میدان تیر خالی از هر حیوان دیگر بخصوص انسان است و همچنین کلبه، آلاچیق و یا هر مسکن دیگری که ممکن است انسان یا حیوان اهلی از قبیل اسب، گاو، شتر، الاغ، سگ و غیره در داخل و یا حوالی آن بیتوته کرده باشند وجود ندارد. ثانیاً وضع ایستادن روباه و فاصله‌اش را بررسی نماید و اگر هر دو مناسب بودند ضامن تفنگ را خوابانده و نقطه تقاطع علامت دوربین را به شانه یا سینه روباه قرار داده و پس از کشیدن ماشه اول که حساس‌کننده است بند دوم انگشت نشانه را بروی ماشه دوم گذاشته و در لحظه‌ای که نفس را حبس نموده و از نشانه روی اطمینان دارد با حرکت فشار دهنده انگشت بدون اینکه حرکتی به مچ دست و ساعد بدهد تیر را رها می‌کند. معمولاً اگر تیر به درستی به نقطه‌ای که مورد نظر بوده اصابت کرده باشد حیوان جابجا می‌افتد ولی اگر بشکم یا پاها خورده باشد مسلماً از محل دور شده و بسته به اینکه شدت ضایعه و خونریزی زیاد یا کم باشد در فاصله دور یا نزدیک متوقف شده و خواهد مرد. گاهی هم با وجود اصابت گلوله به نقطه حساس حیوان بسرعت از محل دور شده

و در تاریکی فرو می‌رود که پیدا کردنش چندان آسان نخواهد بود. نگارنده روباه تیر خورده‌ای را مشاهده نموده است که قفسه صدریش دریده و قلبش از سینه خارج شده بود معذالک حدود پنجاه متر دویده و سپس افتاده بود. در این مواقع است که مسئول نور می‌بایست نهایت دقت را مبذول دارد یعنی بمحض تیراندازی روباه را از نظر دور نداشته و در صورتیکه حیوان شروع به دویدن نماید آنرا تعقیب و محل افتادنش را مشخص نموده و دسته نور را همانجا ثابت‌نگهدارد تا یکی از دو نفر دیگر با دو شاخه آهنی به آنجا رسیده و لاشه را به پای اتومبیل حمل نماید و یا اگر وضع زمین اجازه دهد اتومبیل را به محل لاشه برده و جسد را برابر آنچه که قبلاً گفته شده در کیسه نایلونی قرار داده و دهانه آنرا با نخ پرک بخوبی ببندند.

نکته جالب: معروف است که روباه حیوانی است مکار و حيله گر و در ارتباط با این صفت داستانهای بسیاری نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورهای جهان نیز نقل شده و برخی از آنها برشته تحریر درآمده و آشنای عام و خاص است. نویسنده این مختصر نیز به مقتضی مطلب اشاراتی به هوش و ذکاوت و قدرت برخی از حواس آن از جمله بینائی و بویائی و بالاخره به صبر و حوصله روباه نموده است ولی در اینجا از سادگی و گول خوردن آن صحبت می‌داریم که شرح ماجرا بقرار زیر است:

گروه سه نفری مستقر در جیب روباز با سرعتی معادل ۲۰ کیلومتر در ساعت در جستجوی روباه طی طریق می‌کند و بناگاه دو نقطه نورانی تقریباً خارج از برد مفید نورافکن در سمت راست یا چپ مسیر دیده می‌شود، سرنشینان تشخیص می‌دهند که فاصله بیش از آنست که تیراندازی شود و از طرفی هم وضع زمین طوری است که قابل عبور برای اتومبیل نمی‌باشد، مثل وجود نهر آب یا آب رفته‌ای با دیواره‌های عمودی و یا بالاخره مزرعه وسیعی که اجازه عبور و نزدیک شدن بشکار را نمی‌دهند. در این موقع اتومبیل را در وضع مناسبی متوقف نموده، چراغهایش را خاموش می‌نمایند و

فقط نورافکن را در جهت روباه ثابت نگه میدارند تا درخشندگی چشم‌هایش مثل همیشه قابل رویت باشد یعنی حیوان در حاشیه فوقانی دایره نورانی قرار بگیرد. یکی از سرنشینان شروع به موج کشیدن می‌نماید یعنی برخلاف سوت زدن که هوا را از بین دو لب غنچه شده بیرون می‌فرستند در این مورد هوا را از بین دو لب یا لب پائین و دندانها و یا دندانها و نوک زبان به داخل می‌مکند و حاصل این کار صدائی ایجاد می‌کند که در اثر تمرین می‌تواند شبیه صدائی باشد که مرغ یا خروسی در اسارت و در حال زجر کشیدن و یا زمانی که حالت خفقان به آنها دست می‌دهد سر می‌دهند و یا مشابه صدائی باشد که بچه گنجشک‌ها و بچه سارها و پرندگان کوچک دیگر زمانی که مادرشان از راه می‌رسد و برای آنها غذا می‌آورد با دهان گشوده ایجاد می‌کنند. در سکوت مطلق شب این صد بسهولت گوش‌های تیز روباه را نوازش می‌کند و وی بلافاصله سربلند کرده و سعی در تشخیص صدا می‌نماید. این مسئله با حرکتی که دو نقطه نورانی می‌نمایند و که از چشم شکارچیان پوشیده نیست معلوم می‌گردد. لحظاتی بعد که روباه محل صدا و جهت آنرا تشخیص می‌دهد چهارنعل و سرعت بسوی اتومبیل شکارچیان می‌آید. وقتی که حرکت روباه بسوی اتومبیل شروع شد نفر تیرانداز باید آنرا به دوربین بکشد و نفر نورافکن می‌بایست طوری عمل کند که هر چه روباه نزدیکتر می‌شود بیشتر آنرا در مرکز نور قرار داده و متناسب با سرعت آن دایره نورانی را بجلو بکشد. در لحظه‌ای که فاصله آن متناسب برای تیراندازی شد موج کشیدن متوقف می‌شود. همزمان با قطع موج روباه توقف می‌کند و فرصتی دلخواه برای تیرانداز دست می‌دهد که باید بدون اتلاف وقت ماشه را بچکاند. اگر موج کشیدن ادامه یابد روباه هم بدون توقف پیش می‌آید و بقدری نزدیک می‌شود که در پناه کاپوت و گل‌گیرهای اتومبیل از دید سرنشینان خارج می‌شود یعنی خود را به سپر و لاستیک‌های جلوئی اتومبیل می‌رساند. تازه در این موقع به واقعیت و فریب خوردنش پی برده و سعی در نجات یافتن از مهلکه می‌نماید که اگر شکارچی تفنگ ساچمه زنی‌اش را آماده داشته

باشد، خیلی دیر خواهد بود زیرا مسلما در حال فرار از باران ساچمه‌ها جان سلامت نخواهد برد.

کمیت محصول شکار شبانه: بطوری که گفته شد شکار را با فرا رسیدن تاریکی شبانه‌گی شروع نموده و می‌توان آنرا تا نیمه شب یا تا ساعتی پس از آن ادامه داد، بسته به اینکه تراکم روباه در منطقه گشت بسیار کم یا فوق‌العاده زیاد باشد بین ۳ الی ۲۵ روباه مشاهده می‌شوند. باید متذکر شد که تغییرات این ارقام در ارتباط با روشی بیابان در اثر مهتاب هم می‌باشد و در شب‌های روزگون دوازدهم الی شانزدهم ماه حداقل می‌رسد زیرا روباه از فاصله دور و قبل از اینکه در نور نورا فکن گرفتار آید هیکل ماشین و حتی سرنشینان آنرا تشخیص داده پشت بشکارچیان نموده و با فرار از میدان عمل خارج می‌شود. معذالک گاهی که خود در حال شکار یا تغذیه و یا در کمین طعمه‌ای باشد قرار را بز فرار ترجیح داده و بالاخره جانش را از دست می‌دهد. روبه‌مرفته حدود $\frac{۳}{۵}$ از تعداد فوق‌الذکر و اگر شرایط از هر لحاظ مناسب باشد نزدیک به $\frac{۴}{۵}$ به تیر آمده و شکار می‌شوند. این شرایط علاوه بر مهتاب شامل نوع زمین، مهارت راننده و تیرانداز، دقت تیر و بالاخره عدم آشنائی روباهها با مشخصات شکارچیان از قبیل صدای موتور، نور پروژکتور و غیره نیز می‌باشد.

وضع زمین هم یکی از شرایط موفقیت است زیرا در زمین ناهموار و پراز چاله و گودال و یا جوی و کناره‌های برجسته کرت‌ها راننده بزحمت می‌افتند و اجبارا ناچار به استفاده از دنده سنگین و گاز دادن می‌شود که حاصل آن ایجاد سر و صدای زیاد و غیریک‌نواخت و نامطلوب بوده و سبب وحشت و بالاخره فرار روباه می‌شود.

خلاصه اینکه گروه شکار شبانه اگر از هر لحاظ در شرایط متوسط عمل نماید ۶ الی ۸ روباه را می‌تواند در کیسه داشته باشد. در شرایط خوب و استثنائی این

رقم ممکن است به پانزده و یا بیشتر برسد . فقط یک بار برای نگارنده اتفاق افتاده که در مراجعت از شکار ۱۸ کیسه نایلونی حاوی جسد روباه را به همراه داشته و این رکورد در قسمت غربی دریاچه ارومیه (رضائیه) بدست آمده است .

جنبه‌های علمی شکار روباه :

بطوری که در مقدمه یاد شده " روباه کلید برخی از معماها و راهنمایی حل بعضی مسائل در رابطه با چند بیماری مهم را ارائه می‌دهد " لذا جا دارد علاوه بر آنچه که جهت معرفی نقش روباه در اشاعه و جابجائی عوامل بیماریهای خطرناک چون هاری در صفحات قبل مذکور افتاده چند کلمه‌ای هم از جای و منزلت خاص و ارزنده آن در مطالعات علمی گفته شود .

روباه را می‌توان بعنوان بهترین (Detecteur) آشکارکننده بعضی امراض میکروبی و ویروسی معرفی کرد و در توضیح مطلب نمونه‌ای از آن شرح داده می‌شود . اگر بخواهیم منطقه‌ای نظیر آذربایجان غربی یا گرگان و یا جای دیگری را از لحاظ بیماری طاعون مطالعه نموده بودن یا نبودن آنرا مشخص نمائیم لزومی نخواهد داشت که همانند گذشته روش کلاسیک یعنی تله‌گذاری رادریابانها برای دستگیری جوندگان صحرائی و بدست آوردن کیک‌های آنان اجرا نموده و محصول بدست آمده را در آزمایشگاه صحرائی با انجام کالبد شکافی ، نمونه برداری از طحال و غدد لنفاوی موش‌های به تله افتاده ، له کردن نمونه‌ها و تزریق آنها به حیوانات آزمایشگاهی از قبیل خوکچه هندی و غیره و همچنین آزمایشات میکروسکوپی از آنها و کاشتن له شده‌های فوق‌الذکر و له شده کیک‌ها در ظرف‌های حاوی مواد غذایی لازم برای میکرب و دهها کار دیگر را به مدت چندین ماه مطالعه نمود تا بجواب مطلوب رسید . عوض همه این کارها که صرف هزینه و نیروی انسانی سنگینی را ایجاب می‌نماید برای دریافت جواب مورد نظر به روباه مراجعه می‌شود . یعنی در منطقه مورد نظر چند سر روباه را بطریقی

که شرحش گذشت شکار نموده و سرم خونش را که از قلبش گرفته می‌شود مطالعه می‌نمایند. اگر طاعونی در منطقه وجود داشته باشد این سرم حاوی پادتن (آنتی‌کور، آنتی بادی) ضد طاعون خواهد بود. ملاحظه می‌شود که با پیدا کردن آثار طاعون در خون روباه می‌توان پی بوجود آن در منطقه مورد مطالعه برد، پس روباه یک آشکار کننده (Detecteur) واقعی است نه تنها برای طاعون بلکه برای تعدادی دیگر از بیماریها مانند تب‌های بازگرد، توکسوپلاسموز و تولارمی و... نیز چنین است. باصطلاح دیگر می‌توان آنرا از این دیدگاه "مخزن اسرار" دانست. ممکن است این سؤال پیش آید که چرا انگشت روی روباه گذاشته می‌شود در حالی که حیوانات وحشی دیگری نظیر گرگ، شغال و کفتار هم هستند. جواب اینست که هیچ کدام از این حیوانات علاوه بر اینکه از نظر جسمی و اعمال فیزیولوژیکی دستگاههای مختلف بدنشان که در حساس یا مقاوم بودن به بیماری واحدی موثرند و در ایجاد مصونیت سهم بسزائی دارند همانند روباه نیستند، شرایط مشروحه ذیل را هم به گونه‌ای که بزندگی روباه حاکم هستند ندارند.

۱- تعداد: کثرت روباه از همه حیوانات نامبرده بیشتر است و بطوری که در صفحات پیشین یاد شده در بعضی مناطق بیش از یک سر در هر کیلومتر مربع است، حال آنکه گرگ یا کفتار نه یک دهم بلکه یک صدم این تراکم را هم ندارند.

۲- ارتباط با جوندگان صحرائی و انگل‌های جلدی و خونخوار آنها: از این لحاظ فقط روباه است که ارتباط بسیار نزدیک و دائمی با جوندگان وحشی صحرائی را که مخزن آلودگی به بیماریهای مختلف هستند دارد زیرا قسمت عمده غذای روباه را همین جوندگان تشکیل می‌دهند و در نتیجه کیک‌ها و کنه‌های موش صحرائی سهولت خود را به بدن روباه می‌رسانند و آنرا مورد گزش قرار داده و میکرب بعضی بیماریها را بآن تلقیح می‌نمایند.

۳- لانه دائمی با شرایط مناسب برای پرورش کیک و کنه: از بین حیوانات گوشتخوار وحشی باز هم فقط روباه است که دارای لانه ثابت و دائمی در عمق زمین می‌باشد که شرایط حرارتی و رطوبتی آن بسیار مناسب برای پرورش و تکثیر بند پایان خونخوار بخصوص کیک و کنه است و لزوماً از خون صاحب‌خانه که روباه باشد تغذیه می‌نمایند و عوامل عفونت یعنی باکتری یا ویروس را مرتباً بآن تلقیح نموده و یا از آن می‌گیرند و این امر سبب می‌شود که دستگاه مصون سازی روباه مکرراً تحریک شده و پادتن (آنتی کور یا آنتی بادی) سازی نماید.

۴- پراکندگی جغرافیائی: با توجه به موضع جغرافیائی روباههای چهارگانه ایران که در صفحات اولیه ارائه شده باز هم روباه از لحاظ حضور در صحنه در راس کلیه حیوانات گوشتخوار وحشی قرار گرفته و پوشش کاملی برای سطح مملکت ایجاد می‌نماید در حالیکه مثلاً شغال و یا کفتار در همه جا وجود نداشته و در بسیاری از سرزمین‌های ایران غایب‌اند.

پایان

منابع

- ۱ - دکتر یونس کریمی - دکتر میرهوشنگ مجد تیموری - دکتر عزیزالله ثابتی
ویروس مولد بیماری هاری ، مخازن ویروس ، تشخیص آزمایشگاهی
مجله نظام پزشکی ، سال سوم ، شماره ۱ - ۱۳۵۱
- ۲ - دکتر یونس کریمی :
کتاب طاعون و همه‌گیری شناسی آن - ۱۳۵۵ از انتشارات انستیتو پاستور ایران
- ۳ - دکتر یونس کریمی :
روش‌های تشخیص سریع آزمایشگاهی طاعون و معرفی کانون جدید طاعون صحرائی در
سراب (آذربایجان شرقی)
مجله نظام پزشکی سال ششم ، شماره ۴
- ۴ - دکتر یونس کریمی :
کتاب تب‌های بازگرد و همه‌گیری شناسی آن - ۱۳۶۰ از انتشارات انستیتو پاستور ایران
- ۵ - دکتر یونس کریمی - دکتر مهدخت پورمنصور - دکتر مهدی آسمار
کتاب توکسوپلاسموز ، تولارمی ، لیستریوز ۱۳۶۲ از انتشارات انستیتو پاستور ایران
بقیه رفرانس‌ها

6 - JACQUEMARD, S.(1969)

Des renards vivants - Paris

- 7 - KARIMI, Y. & TEYMOURI, H. (1971)
Contribution à l'étude de l'infection rabique chez les renards de l'Iran.
Acta Medica Iranica Vol. XIV no 2.
- 8 - KARIMI, Y. et al. (1973)
Dépistage de la peste dans le foyer naturel type sylvatique, par détection
d'anticorps de *Y. pestis* chez les renards.
- 9 - KARIMI, Y. (1980)
Découverte d'un nouveau mesofoyer de peste sauvage dans l'azarleaidjan
oriental de l'Iran.
Bull. Soc. Path. exotique 73.
- 10 - MISONNE, X. (1957)
Analyse zoogéographique des mammifères de l'Iran. Bruxelles.
- 11 - LEON BERTEN (1950)
La VIE des animaux - Larousse - Paris

آثار دیگر نویسنده

- 1 - MACHOUN A., SIADAT M., KARIMI Y. & ANDAMI A.
Sur le traitement de la brucellose humaine. Etude de 150 cas.
Revue medicale du Moyen-Orient, 1963, 20, 328 (12 pages).
- 2 - KLEIN J.M., MOFIDI CH., CHAMSA M., KARIMI Y., BAHMANYAR M. & SEYDIAN B.
Les puces (insecta, siphoneptera) de l' Iran.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 533 (18 pages).
- 3 - BALTAZARD M., CHAMSA M. & KARIMI Y.
Sur la resistance à la peste de certaines especes de rongeurs sauvages. IV. Essai d' etude suivi d' un microfoyer.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 1119 (10 pages).
- 4 - BALTAZARD M., CHAMSA M. & KARIMI Y.
Etude systématique d' un mesofoyer de peste sauvage au Kurdistan Iranien. II.
Fin d' une période épizootique.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 1141 (13 pages).
- 5 - KARIMI Y., BALTAZARD M. & CHAMSA M.
Etude systématique d' un mésofoyer de peste sauvage au Kurdistan Iranien. III.
La période inter-epizootique.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 1154 (7 pages).
- 6 - BALTAZARD M. & KARIMI Y.
Etude systematique d' un mesofoyer de peste sauvage au Kurdistan Iranien. IV.
Debut d' Une nouvelle période épizootique.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 1161 (8 pages).
- 7 - KARIMI Y.
Conservation naturelle de la peste dans le sol.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 1183 (4 pages).

- 8 - MOLLARET H. H., KARIMI Y., EFTEKHARI M. & BALTAZARD M.
La peste de foussement.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 1186 (8 pages).
- 9 - BALTAZARD M., EFTEKHARI M., CHAMSA M., KARIMI Y. & MOSTACHFI P.
Sur la resistance à la peste de certaines espèces de rongeurs sauvages. V. Nature de la resistance.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 1194 (8 pages).
- 10 - BALTAZARD M., KARIMI Y., EFTEKHARI M., CHAMSA M. & MOLLARET H.H.
La conservation interopizootique de la peste en foyer invétééré. Hypotheses de travail.
Bull. de la Soc. de path. exotique, 1963, 56, 1230 (12 pages).
- 11 - MOLLARET H.H., NGUYEN VAN BA, VANDEKERKOVE M., KARIMI Y. & EFTEKHARI M.
Sur l' urease du bacille de yersin.
Ann. I.P., 1964, 107, 424 (6 pages).
- 12 - PETTER F., KARIMI Y. & ALMEIDA C. R.
Un nouveau rongeur de laboratoire, le Cricétidé *Calomys callosus*.
C. R. Acad. Sc. Paris, 1967, 265, Pp. 1947-76.
- 13 - QUENTIN J. C. , KARIMI Y. & ALMEIDA C. R.
Protospirura numidica criceticola, n. subsp. parasite de rongeurs Cricetidae du Brésil.
Cycle évolutif.
Annales de Parasitologie (Paris), 1968, 43, No 5, Pp. 583-96.
- 14 - KARIMI Y.
Recherches sur la peste au Kurdistan Iranien.
8th Int. Cong. on Trop. Med. & Mal., Sep. 1968 Tehran, P. 564.
- 15 - KARIMI Y.
La technique d' etude par moulage des terriers de *Meriones* au Kurdistan Iranien.
Mammalia, 1969, 33, No 3, Pp. 495 (4 pages).

16 - KARIMI Y. & TEYMOURI H. M.

Contribution a l' etude de l' infection rabique chez les renards de l' Iran.

Acta Medica Iranica, 1971, XIV, Pp. 93-98.

17 - KARIMI Y. TEYMOURI H., PETROV V. S., EFTEKHARI M. & KANATOV Yu.V.

Dépistage de la peste dans le foyer naturel type sylvatique, Par détection d'anticorps de Yersinia pestis chez les renards.

Bull. de la Soc. de path. exotique, 1973, 66, No 4, Pp. 478-85.

18 - KARIMI Y., DE ALMEIDA C. R., ALMEIDA A.M.P., BOURDIN M. & KEYVANFAR A.

Particularités des souches de Yersinia pestis isolées dans le Nord-Est du Bresil.

Annales Microbiol. (Institut Pasteur), 1974, 125A, Pp. 243-46.

19 - KARIMI Y. & FARHANG-AZAD A.

Sur Pulex irritans, puce humaine dans le foyer de la peste au lac du Général Mobutu (ancien lac Albert) : déduction épidémiologique.

Bull. Org. mond. Sante, 1974, 50, Pp. 564-65.

20 - KARIMI Y., EFTEKHARI M. & DE ALMEIDA R.C.

Sur l' ecologie des puces impliquées dans l' épidémiologie de la peste et le role éventuel de certains insectes hématophages dans son processus au Nord-Est du Brésil.

Bull. de la Soc. de path. exotique, 1974, 67, No 6, Pp. 585-91.

21 - KARIMI Y. & De ALMEIDA C.R.

La peste expérimentale chez les rongeurs du Brésil, déduction., épidémiologiques.

Bull. de la Soc. de path. exotique, 1974, 67, No 6, Pp. 591-601.

22 - KARIMI Y.

Recherches sur la peste au Brésil, recherches écologiques dans le Nord-Est.

9th Int. Cong. on Trop. Med. & Mal., Athens Oct. 1973.

- 23 - KARIMI Y., TEYMOURI, H. et EFTEKHARI, M.
Détermination des foyers naturels de la peste par l'étude sérologique chez les renards de l'Iran.
9th Int. Cong. on Trop. Med. & Mal., Athens, Oct. 1973.
- 24 - KARIMI, Y., et TEYMOURI' H.
Biological diagnosis of plague.
O.M.S., BAC/15.8.75 (1975).
- 25 - KARIMI, Y., FAYAZ, A. et TEYMOURI, H.
Données sérologiques sur la rage vulpine étudiée en Iran.
Acta Medica Iranica, Vol. XVIII, Pp. 129-136, 1975.
- 26 - KARIMI, Y., RODRIGUES DE ALMEIDA, C. et PETTER, F.
Note sur les rongeurs du Nord-Est du Brésil.
Mammalia, T. 40, No 2, Pp. 258-266, 1976.
- 27 - KARIMI, Y., HANNOUN, C., ARDOIN, p. et AMELI, M.
Sur le purpura hémorragique observé dans l'Azarbaïdjan-Est de l'Iran.
Medecine et Maladies infectieuses, T. 6, No 10 bis, Pp. 399-404, 1976.
- 28 - KARIMI, Y., ALONSO, J.M. et Mollaret, H.H.
Activité lytique du bactériophage antipesteux vis-à-vis de certaines souches d'Escherichia coli.
Bull. Org. Mond. Sante, Vol. 53, No 4, Pp. 480-481, (1976).
- 29 - KARIMI, Y.
Diagnostic rapide de l'infection pesteuse au laboratoire.
Bull. Soc. path. Exot., 1978, 71, 45-48.
- 30 - KARIMI, Y. et Coll.
Borrelia persica and B. Baltazardi sp. Nov. : Experimental pathogenicity for some animals and comparison on the ultrastructure.
Ann. Microbiol. (Inst. Pasteur), 1979, 1303, 157-168.

31- KARIMI, Y.

Découverte d' un nouveau mésofoyer de peste sauvage dans l' Azarhaidjan oriental de l' Iran.

Bull. Soc. path. Exot., 1980, 73, 28-35.

32 - KARIMI, Y.

Traitement des tiques infectées de Borrelia.

Bull. Soc. path. Exot., 1982, 75, 131-135.

۳۳ - دکتر یونس کریمی

تجربیات جدید درباره پایداری عامل طاعون در طبیعت

مجله سخن پزشکی دوره سوم شماره ۱۰ دیماه ۱۳۴۴

۳۴ - دکتر یونس کریمی و همکاران

ویروس مولد بیماری هاری، مخازن ویروس، تشخیص آزمایشگاهی

مجله علمی نظام پزشکی سال سوم شماره ۱، ۱۳۵۱

۳۵ - دکتر یونس کریمی

طاعون و همهگیری شناسی آن

تهران - ۱۳۵۵

۳۶ - دکتر یونس کریمی و همکاران

تحقیقات همهگیری شناسی درباره آنتیژن استرالیان در ایران

مجله پژوهنده شهریور ۱۳۵۶، شماره ۱۶ پزشکی ۳

۳۷ - دکتر یونس کریمی و همکاران

مطالعات جدید درباره پورپورای خونریزی دهنده آذربایجان شرقی، معروف به حصه

قره میخ

مجله نظام پزشکی سال پنجم شماره ۶ - ۱۳۵۶

۳۸ - دکتر یونس کریمی

روش‌های تشخیص سریع آزمایشگاهی طاعون - معرفی کانون جدید طاعون صحرائی در

سراب (آذربایجان شرقی)

مجله نظام پزشکی سال ششم شماره ۴

۳۹ - دکتر یونس کریمی و همکاران

یک، کلید مصور تشخیص کیک‌های ایران، کلیات، میزبانها و انتشار جغرافیائی

تهران ۱۳۵۸

۴۰ - دکتر یونس کریمی

تب‌های بازگرد و همه‌گیری‌شناسی آن

تهران ۱۳۶۰

۴۱ - دکتر یونس کریمی و همکاران

توکسوپلاسموز، تولارمی، لیستریوز

تهران ۱۳۶۲

۴۲ - دکتر یونس کریمی

ایدز - کاهش مصونیت اکتسابی

تهران ۱۳۶۴

۴۳ - دکتر یونس کریمی

نقشی از روباه (در ارتباط با مسایل پزشکی) و شکار آن

تهران ۱۳۶۴



درباره نویسنده:

تحصیلات ابتدائی را در زادگاهش
لطف‌آباد از شهرستان دره‌گز بانجام رسانیده
و دیپلم دبیرستانی را در مشهد دریافت
داشته و با تخصص در رشته بیماریهای
عقومی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران
فارغ‌التحصیل گشته است. دیپلم تخصصی در
رشته میکروشناسی و سرم - ایمن‌شناسی را از
انسیتو باستور پاریس دریافت نموده است.
قریب بیست و پنج سال سرگرم تحقیق و مطالعات
علمی در انسیتو باستور ایران بوده و تحقیقات
بسیادی در کانون طبیعی طاعون وحشی کردستان
را انجام داده و راز بقای بیماری طاعون در
طبیعت را با اعلام نظریه " طاعون مدفون "
یا " طاعون خاکی " توجیه نموده است. اکنون
قریب بیست سال است که در زمره کارشناسان
سازمان جهانی بهداشت میباشد و در این مدت
بررسی و مطالعه درباره طاعون کشورهای
برزیل، ژنیر و تانزانیا را بعهده داشته است.



بها ۳۵۰ ریال

ناشر: دکتر یونس کریمی

چاپ اول